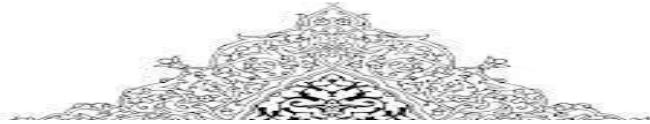




جمهوری اسلامی ایران

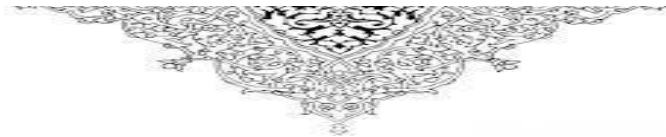
مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

اندیشکده آب، محیط زیست، امنیت غذایی و منابع طبیعی



تجارب کشورهای جهان در تأمین امنیت غذایی، مدیریت آب

و حفظ محیط زیست و منابع طبیعی



جلد سوم:

تجارب کشورهای ترکیه، ژاپن، استرالیا و فرانسه

در توسعه کشاورزی و مدیریت منابع آب

تیرماه ۱۳۹۴

رهبر فرزانه انقلاب اسلامی
در خصوص الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
در دیدار استادان دانشگاه‌ها و مراکز علمی، ۹۲/۰۵/۱۵:
«دستورکار قطعی نظام جمهوری اسلامی؛
دنبال کردن الگوی پیشرفت ایرانی اسلامی است»

تجارب کشورهای جهان در تأمین امنیت غذایی، مدیریت آب و حفظ محیط‌زیست و منابع
طبیعی / جلد سوم: تجارب کشورهای ترکیه، ژاپن، استرالیا و فرانسه در توسعه کشاورزی و

مدیریت منابع آب

صاحب امتیاز: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

تلفن: ۸۸۶۳۴۰۰۷

تیرماه ۱۳۹۴

فهرست

پیشگفتار	۵
مقدمه	۶
فصل اول: ترکیه	۷
ویژگی‌های کشاورزی ترکیه	۹
وضعیت منابع آب	۱۸
اقتصاد کشاورزی	۲۳
وضعیت امنیت غذایی	۲۷
مهم‌ترین سیاست‌ها برای اصلاحات کشاورزی	۳۱
اعتبارات بدون بهره برای بخش کشاورزی	۳۲
اصلاحات یارانه‌ای در بخش کشاورزی	۳۳
برنامه استراتژیک کشاورزی و قانون کشاورزی (۲۰۱۰-۲۰۱۱)	۳۴
برنامه‌ریزی استراتژیک (۲۰۱۰-۲۰۱۴)	۳۴
چشم‌انداز کشاورزی ۲۰۰۸-۲۰۱۲	۳۵
چشم‌انداز کشاورزی ترکیه در سال ۲۰۲۳	۳۶
فصل دوم: استرالیا	۳۷
ویژگی‌های کشاورزی استرالیا	۳۹
نقش دولت استرالیا در کشاورزی	۴۰
برنامه‌ها و سیاست‌های آب، کشاورزی و منابع طبیعی استرالیا	۴۲
فصل سوم: ژاپن	۴۷
ویژگی‌های کشاورزی ژاپن	۴۹
مبانی تفکرات اقتصاد ژاپن در توسعه بخش کشاورزی	۵۰

- اصلاحات و اقدامات ساختاری ژاپن در بخش کشاورزی ۵۳
- تحولات ژاپن در اوایل قرن بیست و یکم ۵۵
- بررسی روند پیشرفت در ژاپن ۵۶
- معماری الگوی توسعه کشاورزی در ژاپن و تجاربی برای ایران ۵۹
- فصل چهارم: فرانسه ۶۵
- ویژگی‌های کشاورزی فرانسه ۶۷
- نقش جوامع مدنی و نهادهای مردمی ۶۹

پیشگفتار

یکی از گام‌های پیش‌بینی‌شده در نقشه راه و فرآیند طراحی و تدوین الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، تحلیل و نقد نظریه‌های توسعه و تجربیات جهانی است. به همین منظور اندیشکده آب، محیط‌زیست، امنیت غذایی و منابع طبیعی در طول فعالیت‌های خود به شیوه‌های مختلف در این زمینه اقدام نموده است. از آن جمله، جلد اول نشریه تجارب کشورهای جهان در تأمین امنیت غذایی، مدیریت آب و حفظ محیط‌زیست و منابع طبیعی در خصوص «نقشه راه علمی ایالات‌متحده آمریکا برای کشاورزی و غذا» و جلد دوم حاوی خلاصه‌ای از مطالعات مربوط به «مقایسه راهبردها و سیاست‌های کشاورزی و منابع آب کشورهای چین و هند و ایران» برای اطلاع اندیشمندان، مدیران و برنامه‌ریزان منتشر شده است و اینک جلد سوم نشریه تحت عنوان «تجارب کشورهای ترکیه، استرالیا، ژاپن و فرانسه در توسعه کشاورزی و مدیریت منابع آب» تقدیم می‌گردد.

بر خود لازم می‌دانم از تلاش و کوشش بی‌دریغ جناب آقایان دکتر احمد محسنی، دکتر غلامرضا سلطانی، دکتر محمد نقی زاده و دکتر علی‌اکبر مهرابی که با ارائه گزارش در نشست‌های اندیشکده در مورد پیشرفت‌های کشورهای مذکور اطلاعات ارزشمندی را در اختیار اعضا و مشاورین محترم قرار دادند صمیمانه تشکر و قدردانی نمایم. همچنین از زحمات همکاران گرامی جناب آقای دکتر محمدحسن روزی‌طلب و مهندس سید حسین دیباجی در تلخیص و ویراستاری این مطالب قدردانی می‌گردد.

امیدواریم این نشریه علمی و نشریات مشابهی که در رابطه با تجارب این کشورها تهیه و منتشر شده است مورد استفاده علاقه‌مندان و همکاران محترم قرار گیرد.

دکتر عباسعلی زالی

رئیس اندیشکده آب، محیط‌زیست،

امنیت غذایی و منابع طبیعی

مقدمه

هدف از مطالعه و بیان موفقیت‌های کشاورزی، آب و محیط‌زیست کشورهای ترکیه، استرالیا، ژاپن و فرانسه این است که چنانچه تجربه مفیدی در این کشورها مشاهده می‌شود در فرایند بررسی و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از آن استفاده نماییم. تجربه‌ها و موفقیت‌های کشور ترکیه در زمینه توسعه کشاورزی و مدیریت منابع آب و اتخاذ سیاست‌ها و راهبردهای این کشور با نگرش خصوصی‌سازی و کوچک‌سازی دولت از یک طرف و آزادسازی و تجاری‌سازی از طرف دیگر می‌تواند با توجه به همسایگی و اشتراکات فرهنگی به عنوان یک نمونه موفق در تدوین الگوی مناسب پیشرفت با شرایط ایران مقایسه شود.

تجارب کشورهای استرالیا، ژاپن و فرانسه به خصوص در زمینه استراتژی‌های بلندمدت و جهت‌گیری‌های مناسب توسعه کشاورزی، مدیریت صحیح منابع آب، اهمیت امانت‌داری محیط‌زیست و حفاظت از منابع طبیعی، رشد بهره‌وری، ایجاد زنجیره ارزش کسب و کار، نقش فعال تشکل‌های مردم‌نهاد، حمایت‌های دولت از کشاورزان، تعامل کامل با بخش خصوصی، نظام کارآمد آموزش، ترویج و پژوهش، کارآیی نظام انتقال فناوری‌های نوین و نقش محوری کشاورزی خانوادگی که باعث توسعه پایدار کشورهای مذکور شده است نیز می‌تواند در این راستا مورد توجه قرار گیرد.

مطالب مربوط به کشور ترکیه بر گرفته از یک پروژه مطالعاتی است که به سفارش دفتر ساماندهی آب و کشاورزی اتاق بازرگانی، صنعت، معدن و کشاورزی ایران توسط جناب آقای دکتر احمد محسنی انجام و به صورت سخنرانی در آبان ماه ۱۳۹۳ و مطالب مربوط به کشورهای استرالیا، ژاپن و فرانسه نیز مبتنی بر سخنرانی‌هایی است که جناب آقایان دکتر غلامرضا سلطانی، دکتر محمد نقی‌زاده و دکتر علی‌اکبر مهرابی در نشست‌های سال ۱۳۹۲ در اندیشکده آب، محیط‌زیست، امنیت غذایی و منابع طبیعی ایراد و اطلاعات تجربی خود را در اختیار اعضا و مشاوران محترم اندیشکده قرار دادند.

فصل اول: ترکیه

ویژگی‌های کشاورزی ترکیه

بخش کشاورزی و آب ترکیه بعد از سال ۱۹۶۳ تحولات متفاوتی را پشت سر گذاشته است. بررسی و مقایسه شاخص‌ها و روند تحولات در دهه‌های اخیر از جمله اهداف اصلی مطالعه حاضر است تا از این طریق اقدام به بررسی سیاست‌ها، راهبردها و خطوط اساسی روند تحولات و چشم‌انداز آینده گردد.

ترکیه کشوری کوهستانی و پر باران دارای جمعیت حدود ۷۵ میلیون نفری در سال ۲۰۱۲ بوده است و مساحت آن برابر با ۷۸۰۰۰۰ کیلومترمربع است. اکثریت مردم ترکیه مسلمان و زبان ۷۵٪ مردم ترکی و ۲۰٪ کردی است که بیشتر در شرق و جنوب شرقی ترکیه زندگی می‌کنند و بقیه جمعیت آن به زبان‌های ارمنی و عربی تکلم دارند.

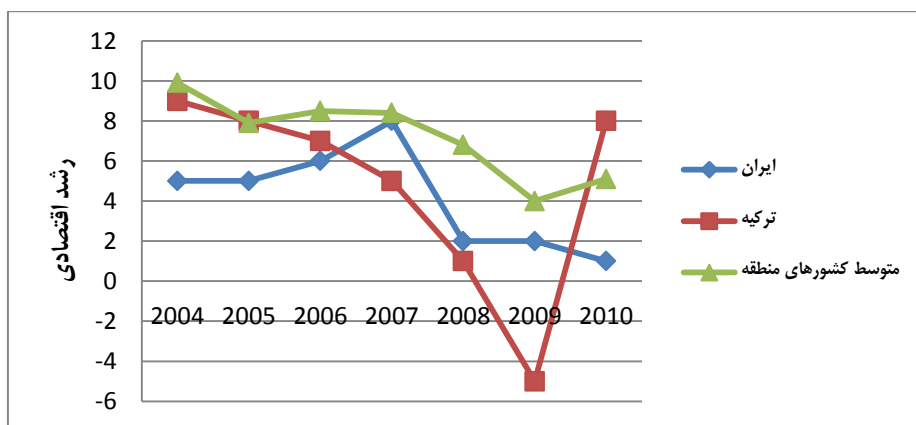
تاریخچه کشاورزی آبی در منطقه آناتولی ترکیه به قرن‌ها قبل از میلاد می‌رسد. بر طبق این تاریخچه، آناتولی که در تقاطع بسیاری از تمدن‌ها قرار گرفته است، به‌عنوان پل ارتباطی بین بسیاری از کشورهای غرب و شرق نقش مهمی دارد. از شروع جمهوری ترکیه بخش کشاورزی برای توسعه اقتصادی کشور از نظر تولید غذا و فیبر، تأمین مواد خام برای صنعت، ممانعت کردن از مهاجرت جمعیت روستایی به شهرها و اشتغال‌زایی بسیار مهم و اساسی بوده است.

ترکیه با درآمد سرانه حدود ۱۰۰۰۰ دلار در سال ۲۰۱۲، یکی از ۲۰ کشور دارای اقتصاد بزرگ جهان است. از سال ۲۰۰۱ این کشور دستخوش تحول اجتماعی و اقتصادی قابل توجهی بوده است و اقتصاد آن مبتنی بر اصلاحات سیاسی، دوباره شکل گرفته است.



رشد اقتصادی ترکیه بر اساس گزارش صندوق بین‌المللی پول در نمودار ۱ نمایش داده شده است. کاهش رشد اقتصادی به معنای کاهش تولید ناخالص داخلی نیست، بلکه نشان‌دهنده افزایش کمتر آن نسبت به سال گذشته است. البته در مواردی که رشد اقتصادی منفی می‌شود، نشان‌دهنده کاهش تولید ناخالص داخلی نسبت به سال قبل است.

نمودار ۱ - مقایسه رشد اقتصادی کشورهای ایران و ترکیه (۲۰۰۴-۲۰۱۰)

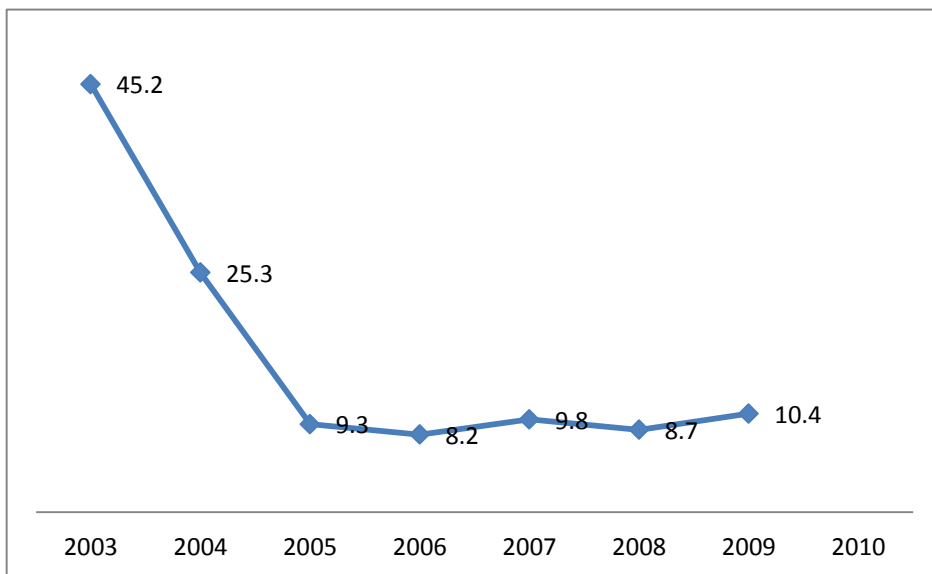


مأخذ: پایگاه داده صندوق بین‌المللی پول

نرخ تورم این کشور از سال ۲۰۰۳ میلادی تاکنون، ابتدا روند کاهشی و سپس متعادل داشته است. البته در سال ۲۰۰۹ میلادی، همزمان با بحران مالی در جهان، این نرخ به یک‌باره تا بیش از ۱۰ درصد نیز افزایش یافت. در نمودار ۲ نرخ تورم کشور ترکیه در سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۰ میلادی ارائه شده است.



نمودار ۲- نرخ تورم ترکیه طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۰ مأخذ: www.indexmundi.com



از لحاظ تاریخی، بخش کشاورزی کمک زیادی به تولید ناخالص داخلی (GDP)، صادرات و توسعه روستایی این کشور داشته است. ترکیه یک تولیدکننده و صادرکننده مهم محصولات کشاورزی در بازار جهانی و تخمین زده می‌شود که هفتمین تولیدکننده بزرگ کشاورزی در جهان است. اگرچه در ارتباط با بخش‌های صنعت و خدمات، اهمیت بخش کشاورزی کاهش یافته، با این حال همچنان نقش اساسی خود را در جامعه ترکیه، با به‌کارگیری یک‌چهارم از نیروی کار، تولید، درآمد و اشتغال در مناطق روستایی ایفا می‌نماید. ترکیه هدف خود برای سال ۲۰۲۳ را افزایش بازدهی و درآمد ۱۵۰ میلیارد دلاری در حوزه کشاورزی و قرار گرفتن در میان ۵ کشور برتر و صادرات ۴۰ میلیارد دلاری قرار داده است.

جدول ۱ - ویژگی‌های کلی کشاورزی ترکیه

جمعیت کشور	۷۵/۶ میلیون نفر
مساحت کل اراضی	۷۸ میلیون هکتار
اراضی کشاورزی	۲۴/۴ میلیون هکتار
چراگاه و مرتع	۱۴/۶ میلیون هکتار
جنگل	۲۱/۵ میلیون هکتار
تعداد کشاورزان	۳ میلیون نفر
میانگین اراضی کشاورزان	۶ هکتار
تعداد استان‌ها	۸۱
تعداد شهرها و شهرک‌ها	۲۹۳۴
تعداد روستاها	۳۴۴۲۵

منبع: سازمان آمار ترکیه ۲۰۱۳

ترکیه هنوز هم دارای جمعیت در حال رشد است. باوجوداین واقعیت، سرعت افزایش جمعیت کاهش قابل توجهی در چند دهه گذشته داشته است. اکثریت جمعیت ترکیه را افراد جوان و کودکان تشکیل می‌دهند. ۶۶/۵ درصد در رده سنی ۱۵-۶۴ سال قرار دارند. درحالی‌که جمعیت ترکیه به‌طور پیوسته افزایش یافته است، نرخ رشد جمعیت از ۱/۴۷ درصد در سال‌های ۲۰۰۳-۱۹۹۸ به ۱/۲۷ درصد در سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۰۸ کاهش یافته است. طول عمر به‌طور متوسط در قرن گذشته به حدود ۷۲ سال افزایش یافته است. نسبت جمعیت روستایی از ۸۰ درصد در سال ۱۹۲۷ به ۲۶/۶ درصد در سال ۲۰۱۳ کاهش یافته است. تقریباً ۳/۴ از جمعیت در مناطق شهری زندگی می‌کند. شلوغ‌ترین شهرها استانبول (۱۲/۵ میلیون نفر)، آنکارا (۴/۵ میلیون نفر) و ازمیر (۳/۷ میلیون نفر) هستند. متوسط تراکم جمعیت ترکیه ۹۲ نفر در هر کیلومتر مربع است. جمعیت شهری پس از دهه ۱۹۵۰



به دلیل مهاجرت شدید از مناطق روستایی به مراکز شهری شروع به افزایش کرده است. تعداد نفر در هر خانوار به‌طور متوسط ۳/۹ در ترکیه است. (Turkey water report, ۲۰۰۹).

بر اساس آمار رسمی، نرخ بیکاری کشور ترکیه در سال ۲۰۱۰ میلادی ۱۴،۵ درصد بوده است که در رده ۱۴۳ جهان قرار می‌گیرد. نرخ بیکاری در این کشور، در سال ۲۰۰۹ میلادی برابر با ۱۰/۷ درصد و در سال ۲۰۰۸ میلادی برابر با ۹/۹ درصد بوده است. این ارقام نشان می‌دهد که نرخ بیکاری در ترکیه طی سال‌های گذشته افزایش یافته است. سهم کشاورزی در اشتغال از ۵۰ درصد در سال ۱۹۸۰، به ۲۴/۶ درصد در ۲۰۱۲، و تعداد شاغلین از ۷ / ۴ در سال ۲۰۰۲ به حدود ۱ / ۶ میلیون نفر کاهش یافته است و سهم آن در GDP از ۲۳٪ به ۷/۹٪ در همان دوره رسیده است. سهم کشاورزی در کل صادرات در حدود ۱۱ درصد ثابت باقی مانده و در طول همان دوره، علاوه بر افزایش تولید، بهره‌وری بخش کشاورزی نیز در ترکیه به‌طور قابل توجهی افزایش یافته است.

ترکیه به خاطر شرایط جغرافیایی و اقلیمی خاص خود، کشور مناسبی برای کاشت و تولید محصولات زراعی بوده و در زمینه تأمین مواد غذایی جزو معدود کشورهایی است که به خودکفایی کامل رسیده‌اند. این موفقیت نتیجه برنامه اقتصادی است که از سال ۱۹۶۳ آغاز شد. فعالیت مثبت بخش خصوصی این کشور در تولید بذر بعد از سال ۱۹۹۰ نقش بسیار مهمی در افزایش بازدهی محصولات نباتی داشته است. دولت با حمایت‌های مالی خود از فعالیت‌های آبیاری و تقویت خاک، تسهیلات بسیاری را در اختیار زارعان می‌گذارد. به‌عنوان مثال، طرح عمران و آبادانی جنوب شرقی آناتولی که با نام اختصاری گاپ (GAP)



شناخته شده، با پروژه‌های آبیاری عظیم خود خواهد توانست بالغ بر ۲ میلیون هکتار زمین زراعی را مشروب سازد.

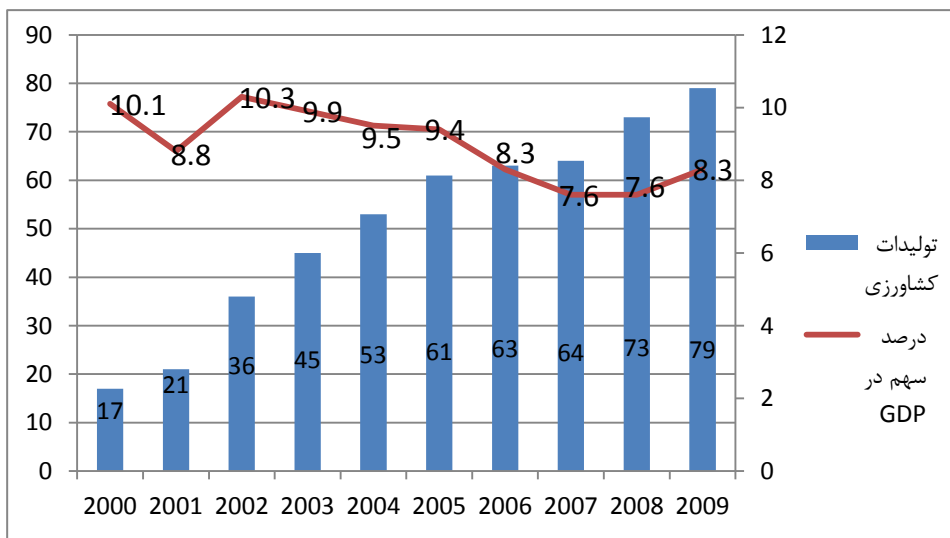
بعد از اصلاحات ۱۹۸۰، بخش کشاورزی ترکیه نیز به موازات بخش صنعت توسعه یافت و با استفاده از تکنولوژی مدرن و دیدگاه مدیریتی جدید، موفق شد تا سطح صادرات محصولات زراعی خود را به پنج میلیارد دلار در سال ۱۹۹۸ برساند. رشد محصولات کشاورزی در ترکیه طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۹ حدود ۱/۳ درصد بوده است که پایین‌تر از نرخ رشد جمعیت می‌باشد، اما باین وجود ترکیه نه تنها واردکننده محصولات غذایی نیست، بلکه در این زمینه دارای مازاد بوده و آن را به خارج صادر می‌نماید. بخش کشاورزی هنوز هم منبع اشتغال بوده و تعداد قابل توجهی از جمعیت فعال این کشور در بخش کشاورزی، ماهی‌گیری، شکار و جنگلداری اشتغال دارند. بخش کشاورزی همچنین تأمین‌کننده مواد خام برای بخش صنعت خصوصاً صنایع مبتنی بر چغندر قند، تنباکو و پنبه است که در این میان نقش دولت در امور کشاورزی بیشتر متوجه حساسیت‌های قیمتی، گسترش آبیاری و ترویج کشاورزی است. از میان محصولات کشاورزی ترکیه می‌توان به غلات، تنباکو، پنبه، انگور، چغندر قند، زیتون، گردو و پسته اشاره کرد. ضمن اینکه ترکیه بزرگ‌ترین تولیدکننده و صادرکننده فندق در جهان است. سهم تولید محصولات کشاورزی در تولید ناخالص داخلی ترکیه با داشتن حدود ۲۲,۸۰۰,۰۰۰ هکتار قابل کشت از ۱۰/۳ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۸/۳ درصد در سال ۲۰۰۹ رسید. در طی این مدت، ترکیه تحول اقتصادی خود را از کشاورزی به صنعت و بخش خدمات ادامه داد. با وجود کاهش سهم در تولید ناخالص داخلی، از سال ۲۰۰۰ به بعد تولید محصولات کشاورزی افزایش یافته است. در سال ۲۰۰۷،



تولید به دلیل خشک‌سالی کاهش یافت، با این حال با شروع سال ۲۰۰۸ رو به بهبود گذاشت. تولید کشاورزی در سال ۲۰۰۸ برابر ۷۳ میلیارد لیره شد که این رقم در سال

۲۰۰۹ به ۷۹ میلیارد لیره رسید. (TurkStat, ۲۰۱۰)

نمودار ۳ - تولیدات کشاورزی ترکیه (میلیون تن) و درصد سهم آن در GDP (۲۰۰۹-۲۰۰۰)



GDPSource: TurkStat-GDP in current prices (۱۹۹۸ base)

ترکیه در میان کشورهای خاورمیانه بهترین شرایط آب و هوایی را برای کشت محصولات کشاورزی دارد. ترکیه در سال ۲۰۱۱ در تولید فندق، انجیر، زردآلو، گیلاس، به و انار در جهان رتبه اول. در تولید هندوانه، خیار و نخود، دوم. در تولید سیب‌زمینی، بادمجان، فلفل سبز، پسته و عدس، سوم. در تولید پیاز و زیتون، چهارم. در تولید چغندر قند، پنجم. در تولید تنباکو، سیب و چای، ششم. در تولید جو و کتان، هفتم. در تولید بادام، هشتم. در تولید گندم، چاودار و گریپ‌فروت، دهم و در تولید لیمو یازدهمین کشور جهان است. لازم به ذکر است این کشور توانسته است با اجرای الگوی مناسب کشاورزی سهم کشاورزی

سنتی را از ۵۰ درصد سال ۱۹۸۰ به ۲۵ درصد در سال‌های اخیر برساند. بازدهی این کشور در سطحی قرار دارد که اکنون یکی از مهم‌ترین تأمین‌کننده‌های محصولات کشاورزی اروپا و آمریکا به شمار می‌رود.

در ارتباط با منابع آب، میانگین بارش سالانه در ترکیه حدود ۵۰۱ میلیارد مترمکعب، میزان تبخیر ۲۷۴ میلیارد مترمکعب، میزان رواناب سطحی ۱۸۶ میلیارد مترمکعب، میزان نشت به آبخوان ۴۱ میلیارد مترمکعب و کل آب تجدیدپذیر حدود ۲۳۰ میلیارد مترمکعب می‌باشد. (TURKEY WATER REPORT, ۲۰۰۹)

مهم‌ترین حوضه آبخیز کشور ترکیه رودهای دجله و فرات بوده و ۹۸/۸ درصد آب فرات و حدود ۴۵ درصد آب دجله از این کشور سرچشمه می‌گیرد که تقریباً یک‌چهارم کل منابع آبی ترکیه را نیز تشکیل می‌دهند. ترکیه دارای ۲۵ حوضه رودخانه‌ای اصلی می‌باشد. این ظرفیت بالا، زمینه را برای کشاورزی در این کشور فراهم آورده است. از این‌رو ترکیه از تولیدکننده‌های عمده محصولات کشاورزی و صادرکننده میوه و سبزیجات به دیگر کشورهای منطقه می‌باشد. در عین حال وجود منابع غنی آب در ترکیه باعث شده است که پتانسیل هیدرولیک این کشور حتی از کشورهای اروپایی نیز فراتر رود. برخورداری از ظرفیت بالای کشاورزی و منابع آب، ترکیه را به تلاش پیگیر و مستمر برای مهار آب‌های خود رهنمون گشته که مهم‌ترین این تلاش‌ها پروژه عظیم GAP (آناطولی جنوب شرقی) می‌باشد. (فغانی، ۱۳۷۸)

بر اساس آمارهای رسمی و منتشر شده حدود ۱۳ درصد از خاک ترکیه تحت پوشش درختان جنگلی قرار دارد. با این‌وجود مناطقی که جنگل‌های انبوه و پربار دارند، وسعت



زیادی ندارند. بخش‌های دولتی و خصوصی ترکیه در زمینه جنگل‌داری همه‌ساله ۲۹ میلیون مترمکعب چوب تولید می‌نمایند و بالغ بر ۶۸ درصد این مقدار به‌عنوان هیزم اجاق منازل برای مصرف گرمایی مورد استفاده قرار می‌گیرد. اقلیم قاره‌ای ترکیه موجب شده تا هر ساله بخشی از این جنگل‌ها به‌ویژه در سواحل مدیترانه که تابستان‌های گرم و خشک دارند، دستخوش آتش‌سوزی شود. (<http://www.ogm.gov.ir/>)

برنامه‌های توسعه روستایی در ترکیه به‌ویژه با آغاز «دوره‌های توسعه برنامه‌ریزی‌شده»^۱ مورد توجه جدی قرار گرفته‌اند. در هر یک از دوره‌های پنج‌ساله مذکور، که تا به حال به هفت مورد رسیده‌اند، اهدافی خاص مدنظر بوده‌اند و نیز بر استفاده از سیاست‌های مناسب برای تحقق توسعه کشاورزی و توسعه روستایی تأکید شده است.

پروژه‌های توسعه روستایی^۲ جایگاه مهمی در این برنامه‌های توسعه پنج‌ساله داشته‌اند؛ شماری از آنها تنها از سوی دولت ترکیه تأمین مالی شده‌اند و شماری دیگر با مشارکت بانک جهانی و نهادهایی چون فائو انجام شده‌اند. علاوه بر برنامه‌های توسعه کلانی که در قالب این دوره‌های پنج‌ساله انجام شده‌اند، برنامه‌های خاصی نیز اخیراً برای غلبه بر شکاف توسعه غرب و شرق در جنوب شرقی ترکیه در دستور کار قرار گرفته است که «پروژه آناتولی جنوب شرقی»^۳ یکی از آنها است.

علاوه بر چنین برنامه‌های توسعه‌ای یکپارچه، برنامه‌هایی با مناطق هدف خاص‌تر وجود داشته‌اند که می‌توان به پروژه‌های انجام شده در ارض‌روم، بینگول-موش، آدانا-سیهان،

^۱ . Planned Development Periods

^۲ . Rural Development Projects

^۳ . Southeast Anatolia Project



بوزگات و... اشاره کرد که مناطق محدودتری را در کانون توجه خود داشته‌اند. همچنین خواست ترکیه برای عضویت در اتحادیه اروپا، سبب گشته که ترکیه تلاش نماید تا در بسیاری از زمینه‌ها خود را تا حد استانداردهای اروپا ارتقا دهد، از جمله این زمینه‌ها، توسعه روستایی و وضعیت زندگی روستاییان در کشور ترکیه است. توسعه روستایی به‌عنوان ابزار سیاسی مهمی در کنار ابزارهای سیاست توسعه کشاورزی در کشور ترکیه از دهه ۱۹۷۰ مورد توجه بوده است.

با توجه به روند توسعه کشاورزی و روستایی ترکیه و رسیدن آن به یک کشور مهم در تولید و صادرات محصولات کشاورزی (جایگاه هفتم در جهان)، بررسی سیر تحولات کشاورزی، آب و توسعه روستایی و خطوط اساسی ترسیم شده در چشم‌انداز آینده ترکیه می‌تواند راهنمای مناسبی برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان بخش کشاورزی ایران باشد.

وضعیت منابع آب

کشاورزی آبی بزرگ‌ترین مصرف‌کننده آب است که مسائل مهمی مانند کمبود آب، تقاضا از دیگر بخش‌ها مانند مصرف خانگی و صنعت، خدمات تحویل آب، مدیریت سیستم‌های آبیاری و راندمان مصرف آب را برای مدیریت منابع آب بوجود آورده است. از دیگر چالش‌ها در سال‌های آینده و حتی دهه‌های آینده عدم تعادل منابع آب و تقاضاهای مصرف‌کنندگان برای تضمین آب کافی برای کشاورزی است. اگرچه منافع کشاورزی آبی برای همگان روشن است، اما اگر به‌طور مناسب مدیریت نشود، اثر تخریبی بر روی محیط‌زیست خواهد داشت و منابع آب و خاک در معرض خطر خواهد بود. عملکرد سیستم‌های آبیاری در



خیلی از جنبه‌ها پایین است. گزینه‌های بهبود راندمان مصرف آب در کشاورزی آبی، شامل گروه‌های بزرگ برنامه‌های عملیاتی در زمینه‌های مهندسی کشاورزی، زیست‌محیطی، اجتماعی و سیاسی است.

با توجه به جدول زیر فقط ۴۱ درصد از پتانسیل آب قابل بهره‌برداری کشور که ۱۱۲ میلیارد مترمکعب است در حال حاضر مصرف می‌شود. ضمن این‌که برنامه‌ریزی شده است که بخش باقی‌مانده تا سال ۲۰۲۳ که صدمین سالگرد جمهوری ترکیه است توسعه یابد. در بخش‌های مختلف ۳۴ میلیارد مترمکعب در آبیاری، ۷ میلیارد مترمکعب در تأمین آب خانگی و ۵ میلیارد مترمکعب در صنعت و در مجموع ۴۶ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۰۸ مصرف شده است. با توجه به پروژه‌های آینده سهم استفاده آبیاری از ۷۴ درصد در ۲۰۰۸ به ۶۴ درصد در سال ۲۰۲۳ کاهش خواهد یافت. از سوی دیگر استفاده آب خانگی و صنعتی به ترتیب به ۱۶ و ۲۰ درصد افزایش خواهد یافت (Turkey water report, ۲۰۰۹).

جدول ۲- مصارف آب در سال ۲۰۰۸ و هدف‌گذاری ترکیه برای ۲۰۲۳

۲۰۰۸			۲۰۲۳		
آبیاری	۳۴ billion m ^۳	۷۴٪	آبیاری	۷۲ billion m ^۳	۶۴٪
آب شرب	۷ billion m ^۳	۱۵٪	آب شرب	۱۸ billion m ^۳	۱۶٪
صنعت	۵ billion m ^۳	۱۱٪	صنعت	۲۲ billion m ^۳	۲۰٪
کل	۴۶ billion m ^۳	۱۰۰٪	کل	۱۱۲ billion m ^۳	۱۰۰٪

در کشور ترکیه به‌طور متوسط میزان عرضه آب خانگی سالانه به ازای هر نفر ۹۸ لیتر در هر روز در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۵ لیتر در روز در دهه ۱۹۹۰ بوده است درحالی‌که امروزه این میزان در حدود ۲۵۰ لیتر در روز می‌باشد. در سال ۲۰۰۴، ۹۶ درصد از جمعیت این کشور به آب پاک دسترسی داشته‌اند (The Pacific Institute ۲۰۱۰) و به‌طور متوسط سرانه مصرف آب ۲۵۰ لیتر در روز بوده است. به‌طور کلی، در حدود ۸۸ درصد از جمعیت (شهری ۹۶٪، روستایی ۷۲٪) از کشور دسترسی به زهکشی فاضلاب داشته‌اند (The Pacific Institute ۲۰۱۰)، و فاضلاب خانگی ۴۰ درصد از جمعیت ترکیه قبل از تخلیه، تصفیه می‌شود. (Turkey Water Report, ۲۰۰۹).

بر اساس آمارهای منتشر شده انتظار می‌رود که با توجه به رشد جمعیت و شهرنشینی تقاضا برای آب و انرژی افزایش یابد. با توجه به آمارها و برآوردهای دولت ترکیه و سازمان‌های بین‌المللی، سرانه آب مورد استفاده در سال ۲۰۱۰ با جمعیت حدود ۷۳ میلیون نفر حدود ۱۶۰۰ مترمکعب بوده است. ولی در سال ۲۰۱۳ این مقدار به ۱۱۲۵ متر کاهش می‌یابد. درحالی‌که انتظار می‌رود جمعیت به ۱۰۰ میلیون نفر برسد. در سال ۲۰۰۹، استفاده از آب، مربوط به هر بخش، به شرح زیر بوده است:

بر اساس برآوردهای دولت ترکیه، ۸/۵ میلیون هکتار از زمین‌ها از لحاظ فنی و اقتصادی قابل آبیاری است و هدف به توسعه بیشتر است. این انتظار می‌رود که سهم بالای مصرف آب در بخش کشاورزی با استفاده از تکنیک‌های مدرن آبیاری از ۷۴ درصد حال حاضر به ۶۴ درصد در سال ۲۰۲۳ کاهش یابد. از سوی دیگر، استفاده خانگی و صنعتی به ترتیب ۱۶ و ۲۰ درصد در این دوره افزایش می‌یابد.



بالاترین مقدار استفاده خانگی از آب در منطقه مرمره و بسیار پایین‌تر از میانگین ملی در شمال شرقی و شرق آناتولی است. با وجود سکونت بیش از نیمی از جمعیت ترکیه در مناطق شهری، ساخت‌وساز تأمین آب و فاضلاب و هدر رفت نیروگاه‌ها توجه بالایی به خود معطوف کرده است. رشد جمعیت همراه با مهاجرت زیاد از مناطق روستایی به مناطق شهری در طول ۳۰ سال گذشته باعث افزایش تقاضای خانگی شده است. در مناطق شهری، دسترسی به یک منبع آب آشامیدنی ۸۳ درصد در سال ۱۹۹۰ و ۸۱ درصد در سال ۲۰۰۰، در مناطق روستایی، ۷۲ درصد در سال ۱۹۹۰ و ۸۶ درصد در سال ۲۰۰۰ بود. مقامات مسئول برای تأمین آب داخلی شامل اداره کل هیدرولیک استان^۱، بانک استان، شهرداری‌ها و سازمان‌های ویژه استان^۲ هستند. با پایان سال ۲۰۰۸، حدود ۷ میلیارد مترمکعب آب خانگی به شهرها و مناطق روستایی با توجه به استانداردهای آب آشامیدنی عرضه می‌شود. پروژه‌های تأمین آب خانگی توسط سازمان‌های ذکر شده در بالا، انجام شده است. در حالی که فعالیت‌های تعمیر و نگهداری توسط شهرداری‌ها و مقامات روستا انجام شده است. تصفیه‌خانه‌های آب خانگی مطابق با استانداردهای اروپا طراحی و ساخته شده است.



^۱ Devlet Su Isleri (General Directorate of State Hydraulic Works)

^۲ Special Provincial Administrations

جدول ۳ - میزان مصرف آب خانگی در ترکیه

سال	کل آب مصرفی		مصرف آب خانگی	
	میلیون مترمکعب	%	میلیون مترمکعب	%
۱۹۹۰	۳۰۶۰۰	۲۷	۵۱۴۱	۱۷
۱۹۹۹	۳۸۹۰۰	۳۵	۵۷۰۰	۱۰
۲۰۰۲	۳۹۳۰۰	۳۶	۵۸۰۰	۱۵
۲۰۰۸	۴۶۰۰۰	۴۱	۷۰۰۰	۱۵
۲۰۲۳	۱۱۲۰۰۰	۱۰۰	۱۸۰۰۰	۱۶

از آنجا که تغییرات آب و هوایی استفاده پایدار از منابع را تهدید می‌کند، استفاده بهینه از آب ضروری است به طوری که نسل‌های بعدی از کمبود آب رنج نبرند. به همین دلیل، هدف ترکیه ذخیره آب با کاهش مصرف روزانه تا ۱۵۰ لیتر به ازای هر نفر در هر روز از طریق استفاده از تکنیک‌های مدرن است. مقدار کل زمین‌های قابل آبیاری از نظر اقتصادی ۸/۵ میلیون هکتار است. از سال ۲۰۰۸، ۵/۲۸ میلیون هکتار از زمین‌های قابل آبیاری از نظر اقتصادی با امکانات آبیاری مجهز شده است. در سال ۲۰۲۳ حدود ۸/۵ میلیون هکتار در نظر گرفته شده است که باید توسعه یابد. حدود ۹۲٪ از مساحت کل با استفاده از روش‌های آبیاری سطحی و مساحت باقی‌مانده با استفاده از روش‌های آبیاری تحت فشار آبیاری خواهد شد.



اقتصاد کشاورزی

اگرچه سهم کشاورزی در اقتصاد ترکیه (از ۳۵ درصد در سال ۱۹۷۰ به ۸/۸ درصد در سال ۲۰۰۸)، در حال کاهش است اما بخش کشاورزی برای اقتصاد ملی با بکار گرفتن ۳۰ درصد از نیروی کار این کشور حیاتی است. تولید گندم در ۵/۲۸ میلیون هکتار از زمین‌های آبی اساس صادرات محصولات کشاورزی به کشورهای اروپایی و نزدیک به مناطق شرق و شمال آفریقا است. بخش کشاورزی، بخش مهمی از نظر اشتغال و یک عامل عمده برای تولید ناخالص ملی (GNP)، صادرات و رشد صنعتی این کشور بوده است. با این حال، سهم تولید ناخالص ملی از بخش کشاورزی از ۲۵ درصد در ۱۹۸۰ به ۱۱٪ در سال ۲۰۰۷ کاهش یافته است. اجزای اصلی GNP کشاورزی محصولات کشاورزی، جنگلداری، دام و آبیان هستند. سیاست کشاورزی ترکیه در برنامه‌های توسعه پنج‌ساله تعیین می‌شود. برنامه‌های توسعه به‌طور عمده بر روی تثبیت قیمت محصولات کشاورزی، تأمین درآمد کافی و پایدار برای افراد شاغل در بخش کشاورزی، رفع نیازهای تغذیه‌ای جمعیت رو به افزایش، افزایش عملکرد، به حداقل رساندن آسیب‌پذیری تولید با توجه به شرایط آب و هوایی، ارتقاء توسعه در مناطق روستایی متمرکز، ترویج استفاده از تکنیک‌های کشاورزی مدرن و توسعه صادرات کشاورزی متمرکز دارند. نتیجه این فرایند برنامه‌ریزی، توسعه صادرات محصولات کشاورزی در دهه گذشته بوده است. در سال‌های اخیر، ترجیح کشاورزان بر الگوی کشت به شرح زیر شناسایی شده است، ذرت، غلات، حبوبات، پنبه، میوه و سبزیجات. ترکیه، بزرگ‌ترین تولیدکننده و صادرکننده محصولات کشاورزی در خاور نزدیک و شمال آفریقا است. ترکیه ۸۰ نوع میوه و سبزیجات تازه تولید می‌کند که بیشتر از ۵۰ نوع آن را صادر



می‌کند. بسیاری از محصولات کشاورزی از کشاورزی آبی به دست می‌آیند. (۲۰۰۹)

(Turkey water report

بنا بر گزارشات رسمی منتشر شده بخش کشاورزی ترکیه توانست در طول ۸ سال بیش از ۸ برابر رشد نماید به طوری که نقش لکوموتیو را در قطار توسعه اقتصادی این کشور ایفا نماید. کشاورزی ترکیه در سال ۲۰۰۲ در رتبه ۱۱ جهان قرار داشت و با ایجاد تغییرات ساختاری توانست در سال ۲۰۰۹ به رتبه هفتم جهان صعود نماید. ضمن این‌که در همین دوران در بین کشورهای اروپایی از رتبه چهارم به رتبه اول صعود کرد.

جدول ۴ - شاخص‌های پایه کشور ترکیه و سهم بخش کشاورزی

ترکیه ۲۰۱۲			ترکیه ۲۰۰۲			شاخص‌های پایه‌ای
سهم بخش کشاورزی %	کشاورزی	ترکیه	سهم بخش کشاورزی %	کشاورزی	ترکیه	
۲۲،۷	۱۷،۲	۷۵،۶	۳۴،۲	۲۳،۷	۶۹،۳	جمعیت به میلیون نفر
۲۴،۶	۶،۱	۲۴،۸	۳۴،۹	۷،۴	۲۱،۳	اشتغال به میلیون نفر
۷،۹	۶۲،۵	۷۸۶،۳	۱۰،۳	۲۳،۷	۲۳۰،۵	تولید ناخالص داخلی به میلیارد دلار
۳۴،۵	۳۶۲۲	۱۰۵۰۴	۲۸،۶	۱۰۶۴	۳۴۹۲	درآمد سرانه از تولید ناخالص داخلی به دلار
۱۰،۵	۱۶،۰	۱۵۲،۵	۱۱،۲	۴،۰	۳۶،۰	صادرات (میلیارد دلار)
۶،۹	*۱۶،۳	۲۳۶،۵	۷،۷	۳،۹	۵۱،۵	واردات (میلیارد دلار)



واردات محصولات کشاورزی شامل محصولاتی مانند الیاف بافته شده و ضایعات آنها، لاستیک خام، پوست خام، چرم، خز، چوب پنبه، چوب، الوار، خمیر کاغذ است که به‌عنوان مواد خام در صنعت کاربرد دارند. به‌استثنای این مواد، واردات محصولات کشاورزی ۵/۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۲ بوده است. به‌جز این موارد مازاد تجارت خارجی ترکیه از محصولات کشاورزی در حدود ۵/۳ میلیارد دلار بوده است (منبع: سازمان آمار ترکیه ۲۰۱۳).

میزان رشد بخش کشاورزی ترکیه در فاصله سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۰۲ در جدول شماره ۵ آمده است.

جدول ۵ - میزان رشد بخش کشاورزی ترکیه در فاصله سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۰۲.

سال	رشد بخش کشاورزی به درصد	سهم کشاورزی از تولید ناخالص داخلی (میلیارد دلار)
۲۰۰۲	۸،۸	۲۳،۷
۲۰۰۳	-۲،۰	۳۰،۲
۲۰۰۴	۲،۸	۳۷،۰
۲۰۰۵	۷،۲	۴۵،۰
۲۰۰۶	۱،۴	۴۳،۵
۲۰۰۷	-۶،۷	۴۹،۵
۲۰۰۸	۴،۳	۵۶،۴
۲۰۰۹	۳،۶	۵۱،۰
۲۰۱۰	۲،۴	۶۱،۷
۲۰۱۱	۶،۱	۶۱،۸
۲۰۱۲	۳،۵	۶۲،۵

منبع: سازمان آمار ترکیه ۲۰۱۳



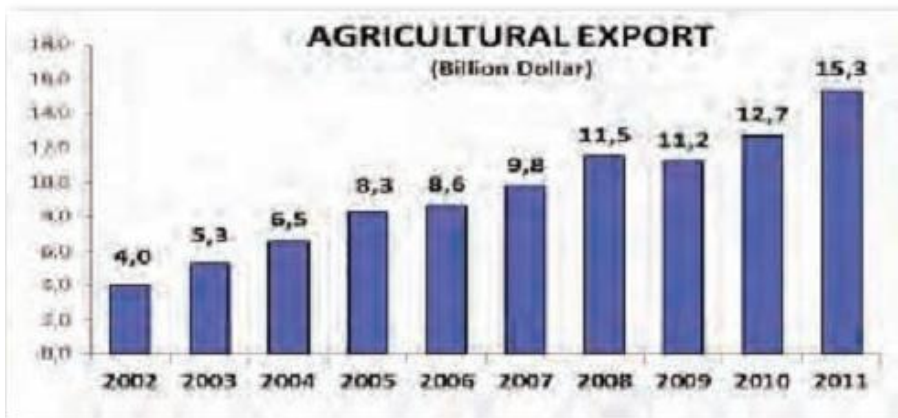
بخش کشاورزی در ترکیه همچنین توانسته است مواد غذایی را برای ۷۵ میلیون جمعیت این کشور و نیز بیش از ۳۰ میلیون گردشگر تأمین نماید. همچنین میزان مشارکت بخش کشاورزی ترکیه در درآمد ملی در سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۰۲ بیش از ۲/۷ برابر افزایش یافته است.

ضمن این‌که در همین دوران ارزش میزان صادرات بخش کشاورزی ترکیه از ۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۲ به بیش از ۱۵/۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۱ رسیده است. همچنین این کشور توانسته است بیش از ۱۵۳۲ نوع محصول غذایی و کشاورزی متفاوت را به بیش از ۱۸۶ کشور جهان صادر نماید. کشور ترکیه از لحاظ تولید بیش از ۳۰ نوع محصول کشاورزی در بین ۵ کشور برتر جهان قرار دارد. این کشور بر اساس برنامه چشم‌انداز ترکیه در سال ۲۰۲۳ در نظر دارد میزان ارزش محصولات کشاورزی از تولید ناخالص داخلی را به بیش از ۱۵۰ میلیارد دلار برساند ضمن این‌که در نظر دارند تا میزان ارزش صادرات بخش کشاورزی را به بیش از ۴۰ میلیارد دلار افزایش دهند همین‌طور در سال ۲۰۲۳ ترکیه در نظر دارد تا در بین ۵ کشور برتر تولیدکننده محصولات کشاورزی در جهان قرار گیرد. به همین دلیل در راه ایجاد اصلاحات ساختاری در بخش کشاورزی و تولید روستایی بیش از ۱۴ قانون ملی را در حمایت از این بخش به تصویب رسانده‌اند.



نمودار ۴- روند ارزش صادرات محصولات کشاورزی کشور ترکیه (میلیارد دلار) در سال‌های

۲۰۰۲-۲۰۱۱



Source: TURKSTAT-Standard International Trade Class (SITC) Rev3

وضعیت امنیت غذایی

در جهان امروز یکی از مشکلات اساسی کشورها تأمین نیازهای غذایی است، به گونه‌ای که امنیت غذایی به عنوان یکی از مهم‌ترین برنامه‌های دولت‌ها قرار گرفته است. در این میان ترکیه یکی از کشورهایی است که علاوه بر این که در تولید محصولات غذایی مورد نیاز خود به استقلال کامل رسیده، با اتخاذ سیاست‌های مناسب و برخورداری از منابع کافی تصمیم گرفته به یکی از تأمین‌کنندگان اصلی محصولات کشاورزی در جهان بدل گردد. هرچند که ترکیه در سال‌های اخیر شاهد پیشرفت صنعتی وسیعی بوده است، ولی کشاورزی همچنان از مشاغل اصلی در این کشور محسوب می‌شود. ترکیه به علت در اختیار داشتن خاکی حاصلخیز و همچنین داشتن کشاورزانی سخت‌کوش یکی از معدود کشورهای جهان به شمار می‌آید که در زمینه کلیه محصولات غذایی مورد نیاز خود کفا محسوب می‌شود.

وجود شرایط آب و هوایی متنوع و بارش باران کافی این کشور را قادر ساخته که محصولات کشاورزی متنوعی را تولید نماید. هرچند که کشاورزی در مناطق کوهستانی شرقی ترکیه که بیشتر شاهد فعالیت‌های دامداری و دام‌پروری است کمتر به چشم می‌خورد ولی کشاورزی در تمام مناطق ترکیه یکی از مشاغل اصلی محسوب می‌شود. البته کشاورزی در ترکیه شاهد دوران رکود نیز بوده است: سهم کشاورزی در تولید ناخالص ملی ترکیه بعد از این که سران این کشور در دهه ۱۹۳۰ تصمیم گرفتند صنعتی شدن را نسبت به تقویت بخش کشاورزی در اولویت قرار دهند، از ۵۰ درصد در دهه ۱۹۵۰ به ۱۵ درصد در ۱۹۹۳ کاهش یافت. در نتیجه این کاهش چشمگیر کشاورزی همزمان با رشد صنعتی، این کشور در کانون توجه سیاستمداران قرار گرفت و آنها با تهیه زیرساخت‌های لازم برای هماهنگ کردن کشاورزان با تکنیک‌های مدرن و مکانیکی کردن کشاورزی توانستند دوباره جایگاه بخش کشاورزی در این کشور را احیا کنند.

ترکیه در تولید سبزیجات و میوه‌جات، پنجمین تولیدکننده بزرگ جهان است. در سال ۲۰۰۹ صادرات زراعتی تقریباً به ۱۱ میلیارد دلار رسیده و در همان سال حدود ۵ میلیارد لیتر ترک پشتیبانی زراعتی از کشاورزان به عمل آمده است. همچنین سهم تولید دامداری در تولید کل زراعتی ترکیه حدود ۲۴٪ است. در چهارچوب «برنامه بازسازی در کشاورزی»، افزایش این نرخ به ۵۰٪ در میان‌مدت مورد هدف قرار می‌گیرد. موجودی گاو در کشور حدود ۱۰ میلیون و موجودی گوسفند حدود ۳۰ میلیون رأس است. در کشور، در کنار دامداری، از تولید گیاهان علفی و تلقیح مصنوعی و اصلاح دام و زنبورداری و محصولات آبی و تولید شیر حمایت می‌شود. در سال ۲۰۰۹، به مبلغ ۸۹۶ میلیون لیتر



ترک از کشاورزان پشتیبانی شده است. ترکیه در بخش پایینی مرغ داری نیز به سطح کشورهای پیشرفته رسیده است. ترکیه با تولید سالانه گوشت مرغ، در تولید گوشت مرغ جهانی در ردیف بیست کشور اول قرار می‌گیرد.

بخش وسیعی از درآمدهای صادراتی ترکیه در گذر زمان نیز همواره از فروش محصولات کشاورزی تأمین شده است. توجه به این موضوع که ۶۰ درصد از کلیه درآمدهای صادراتی ترکیه در دهه ۱۹۸۰ را فروش محصولات کشاورزی تشکیل می‌داد، خود نشان دهنده این موضوع است که کشاورزی یکی از مؤلفه‌های اصلی در سیاست خارجی ترکیه است. این کشور با صادرات محصولاتی نظیر سبزیجات، روغن زیتون، شکر، پنبه، میوه‌های تازه و خشک شده، حبوبات، انواع آجیل و محصولات دامی و... بخش وسیعی از بازار آمریکا و کشورهای عضو اتحادیه اروپا و منطقه خاورمیانه را از آن خود کرده است. نگاهی اجمالی به پیشرفت‌های یک دهه اخیر کشور ترکیه می‌تواند تأییدی بر تأثیرات مثبت اصلاحات ساختاری در این بخش باشد.

ترکیه از سال ۱۹۸۰ میلادی در تولید محصولات اساسی کشاورزی به خودکفایی رسیده و پس از آن سال نیز به رشد خود ادامه داده است. به طوری که در سال ۲۰۰۵ در تولید محصولات کشاورزی رتبه هفتم جهان را به خود اختصاص داده است. در سال ۲۰۰۹ میلادی، سهم بخش کشاورزی ترکیه از تولید ناخالص داخلی، ۹/۳ درصد بوده است. نزدیک به ۳۰ درصد زمین‌های ترکیه برای کشاورزی و کشت میوه و سبزیجات مناسب و ۳/۵ درصد زمین‌ها نیز کشتزارها و زمین‌های سبز دائمی است. ۲۹/۵ درصد نیروی کار ترکیه در بخش کشاورزی فعالیت می‌کنند.. بخش عمده‌ای از نرخ رشد بالای تولید ناخالص



داخلی ترکیه، مرهون توسعه کشاورزی این کشور بوده است. این توسعه حاصل اصلاحاتی اساسی است که دولت ترکیه با حمایت بانک جهانی در سال ۲۰۰۱ میلادی آغاز کرده است.

سرانه مصرف غذا

همان گونه که جدول ۶ نشان می دهد، سرانه مصرف اقلام اساسی در ترکیه در طی سال های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۳ افزایش داشته است.

جدول ۶ - سرانه مصرف اقلام اساسی در ترکیه در طی سال های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۳

اقلام غذایی	واحد	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	ایران
گوشت	کیلوگرم در سال	۲۱.۳	۲۲.۶	۲۳.۴	۲۳.۹	۲۳.۹	۲۳	۲۳.۲	۲۳.۷	۲۴.۱	۲۴.۶	۲۷.۴
ماهی	کیلوگرم در سال	۷	۶.۹	۷	۷.۲	۷.۲	۷	۷.۱	۷.۲	۷.۳	۷.۴	۳.۸
میوه	کیلوگرم در سال	۱۰۵.۲	۱۰۵.۳	۱۰۷.۲	۱۰۹.۴	۱۰۹.۵	۱۰۸.۵	۱۰۹.۴	۱۱۱.۱	۱۱۲.۵	۱۱۴	۶۴
سبزیجات	کیلوگرم در سال	۲۲۶.۳	۲۲۴.۲	۲۲۸	۲۳۰.۴	۲۳۰.۳	۲۲۵.۸	۲۲۷.۱	۲۲۹.۱	۲۳۱.۱	۲۳۲.۲	۱۰۷
شیر	لیتر در سال	۱۲۶.۶	۱۲۹.۹	۱۳۲	۱۳۴.۵	۱۳۴.۸	۱۳۴	۱۳۵.۲	۱۳۷.۲	۱۳۸.۹	۱۴۰.۸	۵۹
قهوه	کیلوگرم در سال	۰.۵	۰.۶	۰.۶	۰.۷	۰.۷	۰.۶	۰.۷	۰.۷	۰.۷	۰.۷	-
چای	کیلوگرم در سال	۲.۴	۲.۷	۲.۷	۲.۷	۲.۷	۲.۷	۲.۷	۲.۷	۲.۷	۲.۸	۰.۵

مأخذ: www.invest.gov.tr و اتاق بازرگانی ایران



مهم‌ترین سیاست‌ها برای اصلاحات کشاورزی

اهداف اصلی سیاست‌های کشاورزی ترکیه با هدف تأمین سلامت غذایی برای جمعیت در حال رشد به شرح ذیل خلاصه شده است. افزایش بازدهی و کاهش حساسیت به شرایط آب و هوایی نامناسب، بالا بردن سطح خودکفایی، افزایش درآمد مزرعه و بهبود ثبات در آن، بالا بردن قدرت رقابت توسعه مناطق روستایی، اطمینان از سلامت غذایی و هماهنگ کردن و تنظیم سیاست‌های توسعه کشاورزی و مناطق روستایی (OECD، ۲۰۱۳).

وجود فرصت‌های تجاری برای کشاورزی با توجه به موقعیت استراتژیک جغرافیایی ترکیه، امکان صادرات به کشورهای جدید به دلیل عضویت در اتحادیه اروپا و افزایش تقاضا برای کشاورزی ارگانیک از طریق افزایش آگاهی از سلامت مواد غذایی از جمله فرصت‌های پیش روی کشاورزی ترکیه عنوان شده است.

هرچند که کشاورزی در ترکیه از جایگاه مطلوبی برخوردار است، ولی کارشناسان بین‌المللی مسائل کشاورزی در جهان بر این باورند که بخش کشاورزی ترکیه همچنان از پتانسیل بسیار بالایی برای توسعه و پیشرفت هر چه بیشتر برخوردار است. کارشناسان بر این باورند که ترکیه برای رسیدن به رشدی متوازن در بخش کشاورزی به ارتقای وضعیت آموزش کشاورزان، تهیه کردن دانه و بذرها بهتر، ارتقای وضعیت دامداری، صنعتی کردن تولید محصولات کشاورزی و گسترش امکانات صنعتی نظیر سردخانه‌های مخصوص محصولات کشاورزی و ماشین‌های مخصوص حمل‌ونقل چنین محصولاتی نیاز دارد. به همین منظور ترکیه چندین دهه است که گسترش سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و دام، وارد کردن بذرها متنوع با کیفیت و همچنین تشویق سرمایه‌داران به سرمایه‌گذاری در بخش‌های



مختلف کشاورزی و دامی را در دستور کار خود قرار داده است که این مسئله تأثیرات بسیار مؤثری بر روی پیشرفت هر چه بیشتر کشاورزی در ترکیه داشته است. در ادامه به برخی از مهم‌ترین سیاست‌های اتخاذ شده پرداخته شده است.

در سال ۲۰۱۱ وزارت کشاورزی و امور روستایی ترکیه با هدف تبیین استراتژی و رقابت‌پذیری چندمنظوره در بخش اقتصادی، اجتماعی و امور رفاهی مردم، به وزارت کشاورزی غذا و دام ترکیه تغییر نام داد. وظایف اصلی وزارت کشاورزی جدید، سیاست‌گذاری، نظارت و ارزشیابی و اجرای برنامه‌های تأمین غذا و تولید محصولات کشاورزی عنوان شده است و فعالیت‌های اصلی آن به شرح ذیل خلاصه شده است.

۱. توسعه محصولات کشاورزی، دامی و آبزیان

۲. مطالعه، تحقیق و توسعه در بخش‌های مختلف کشاورزی

۳. سلامت و امنیت غذایی

۴. حفاظت از اراضی، منابع آب و تنوع زیستی

اعتبارات بدون بهره برای بخش کشاورزی

در سال ۲۰۰۲ میزان نرخ بهره اعتبارات بخش کشاورزی ۵,۵ درصد بوده است و پس از ایجاد اصلاحات ساختاری این میزان به ۵ درصد برای کشاورزی و برای مدرنیزاسیون و نوسازی پروژه‌های زیر ساختاری معاف از بهره می‌باشد. با کاهش نرخ بهره اعتبارات بخش کشاورزی و کاربرد اعتبارات پایدار برای توسعه حمایت از اصلاحات ساختاری در بخش کشاورزی، میزان کل اعتبارات کشاورزی که در سال ۲۰۰۲ در حدود ۵۲۹ میلیون لیر



ترک بوده است به بیش از ۲۲/۳ میلیارد لیر ترک افزایش یافته است. ضمن این که دوره بازپرداخت اعتبارات این بخش نیز از ۱۸ ماه به ۲۴ ماه افزایش یافته است و این مدت برای بازپرداخت اعتبارات عملیاتی زیر ساختارهای پروژه‌های کشاورزی نیز از ۵ سال به ۷ سال افزایش یافته است. همین طور نرخ بازگشت اعتبارات بانکی نیز ۹۹ درصد افزایش یافته است.

اصلاحات یارانه‌ای در بخش کشاورزی

در حمایت از بهره‌وری بخش کشاورزی و نیز افزایش کمیت و کیفیت محصولات بخش کشاورزی و توسعه روستایی با استفاده از ایجاد اصلاحات ساختاری ۵۲ محصول تحت پوشش‌های حمایتی یارانه‌ای قرار گرفتند. بنا بر گزارشات کل اعتبارات حمایتی بخش کشاورزی در سال ۲۰۰۲ در حدود ۱/۳۶۴ میلیارد دلار بوده است که این میزان در سال ۲۰۱۰ به ۴/۳۴۱ میلیارد دلار و در سال ۲۰۱۱ به ۵/۱۸۳ میلیارد دلار افزایش یافته است یعنی کل اعتبارات حمایتی بخش کشاورزی ترکیه از سال ۲۰۰۲ تا سال ۲۰۱۰ بیش از ۴ برابر افزایش یافته است.

به‌طور مثال، به‌منظور رفع خسارات تولیدکنندگان ناشی از تأثیرات آفات و بلایای طبیعی «قانون بیمه‌های کشاورزی و دامی» در سال ۲۰۰۵ به اجرا گذاشته شده است. بر اساس این برنامه حمایتی ملی که از تاریخ ۱ جون ۲۰۰۶ شروع شده است، ۵۰٪ از خسارات تولیدکنندگان توسط دولت تقبل می‌شود.



برنامه استراتژیک کشاورزی و قانون کشاورزی (۲۰۱۰-۲۰۱۱)

این برنامه استراتژیک با هدف حمایت از پایداری بخش کشاورزی و نیز افزایش رقابت‌پذیری سازمان‌دهی شده با تمرکز بر توسعه اقتصادی، اجتماعی و محیطی در سطح بین‌المللی و مبتنی بر اصول بهره‌وری و اثربخشی منابع صورت گرفت. در این چارچوب کلیه سیاست‌های حمایتی در بخش کشاورزی بایستی بازتعریف و باز شناسایی شده و مورد اصلاح اساسی قرار گیرند. در سال ۲۰۰۶ بر اساس قانون کشاورزی، قوانین و مقررات بخش کشاورزی به‌عنوان محور برنامه‌های توسعه اقتصادی مورد تصویب دولت قرار گرفت ضمن این‌که قانون کشاورزی کلیه اهداف، موضوعات، تمرکز بین بخشی و نیز ابزارهای حمایتی کشاورزی و توسعه روستایی و نیز ساختار مدیریت مالی و هماهنگی‌ها و اقدامات قانونی و همچنین مدیریت برنامه‌های تحقیق و توسعه برنامه‌ها و طرح‌های اجرا شده بخش کشاورزی و توسعه روستایی را مشخص نموده است.

برنامه‌ریزی استراتژیک (۲۰۱۰-۲۰۱۴)

این برنامه توسعه تولیدات کشاورزی و تأمین امنیت و سلامت غذایی (سلامت دام و گیاه)، توسعه روستایی و ظرفیت‌سازی سازمانی را تحت پوشش قرار داده است. بر اساس این برنامه ۶ هدف استراتژیک و ۳۸ گروه هدف در بخش تولید محصولات کشاورزی شناسایی و تعریف شدند که به شرح ذیل می‌باشند.

الف- افزایش تولید محصولات کشاورزی و تأمین امنیت غذایی



ب- توسعه زیرساخت‌های کشاورزی، حفاظت و بهبود منابع طبیعی و توانمندسازی پایدار محیطی و کاهش بلایای طبیعی

ت- تأمین و افزایش کیفیت مواد غذایی کشاورزی و دامی

ث- ریشه‌کنی آفات و بیماری‌ها و کاهش خسارات تولیدات کشاورزی و حفاظت از سلامت عمومی جامعه

ج- توسعه خدمات زیرساخت‌های کشاورزی، منابع انسانی در کلیه سطوح سازمانی نواحی روستایی، توسعه بازارهای مشترک، تنوع‌بخشی در منابع درآمد جمعیت روستایی، افزایش ظرفیت‌های توسعه محلی و افزایش کیفیت زندگی مردم

د- تأمین و افزایش ظرفیت‌های مدیریتی و سازمانی برای ارائه خدمات بهتر و اثربخش‌تر به مردم جوامع روستایی

متعاقب این فعالیت‌ها دولت برنامه‌های عملی را در سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۱۱-۲۰۱۰ برای اجرای فعالیت‌های ممکن با توجه به بودجه کشور و در قالب برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت برای تحقق اهداف برنامه‌های استراتژیک کشور برنامه‌ریزی و اجرا نمود.

چشم‌انداز کشاورزی ۲۰۱۲-۲۰۰۸

برنامه ۵ ساله چشم‌انداز کشاورزی ترکیه در سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۰۸ با همکاری و هماهنگی بخش خصوصی و دولتی و نیز با همکاری بخش‌های تجاری، سازمان‌های تولیدکنندگان، دانشگاه‌ها و سازمان‌های غیردولتی طراحی گردید. این برنامه بر اساس تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از ۸۱ استان، ۵۴۵ منطقه و بیش از ۳۶۴۹ روستا با همکاری بیش از



۵۰۰۰۰ نفر از کارکنان بخش‌های دولتی طراحی گردید. ضمن این‌که اصول و سیاست‌های کشاورزی بر مبنای مدیریت صحیح، شفاف‌سازی، ثبات و پایداری، وابستگی و قابلیت پیش‌بینی تعریف شدند. همین‌طور سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۲ به‌عنوان دوران تغییرات اضطراری در کشاورزی و دوران ۲۰۱۲-۲۰۰۸ به‌عنوان رشد بخشی و توسعه پایدار تعریف شدند.

چشم‌انداز کشاورزی ترکیه در سال ۲۰۲۳

اهداف اصلی در این برنامه چشم‌انداز که از آن به‌عنوان «ترکیه در مسیر ۲۰۲۳» نام برده می‌شود شامل موارد کلی زیر می‌باشد.

۱. تأمین کافی بهترین، ایمن‌ترین محصولات غذایی برای کشور
۲. توسعه شبکه‌های صادرکنندگان تولیدات کشاورزی
۳. افزایش قدرت رقابت‌پذیری محصولات کشاورزی
۴. دست یافتن به‌عنوان نقش رهبر و پیشرو در بخش کشاورزی در سطح منطقه و جهان



فصل دوم: استرالیا

ویژگی‌های کشاورزی استرالیا

کمتر کشوری را می‌توان یافت که مانند استرالیا با شرایط کشاورزی در شرایط خشک با کشور ما شباهت داشته باشد. این وجوه تشابه را می‌توان در مواردی همچون «تنوع آب‌وهوا»، «تنوع محصولات کشاورزی»، «تنوع زیستی»، «خشک‌سالی» و «چالش‌های پایداری کمی و کیفی منابع آب» بیان نمود. علاوه بر خشک‌سالی، چالش‌های دیگری که فرا روی کشاورزی استرالیا قرار دارد عبارتند از: «محدودیت کمی و کیفی منابع آب»، «فقر خاک‌های زراعی»، «گرم شدن قاره به دلیل تغییرات اقلیمی»، «آفات و بیماری‌های همراه با مواد غذایی وارداتی»، «تعرفه زیاد محصولات صادراتی توسط کشورهای واردکننده» و «یارانه بالای کشاورزی در کشورهای صادرکننده رقیب» و در برابر چنین چالش‌هایی سهم کشاورزی و فعالیت‌های وابسته در تولید ناخالص داخلی بالغ بر ۱۲ درصد می‌باشد که ارزش ناخالص آن برابر ۱۵۵ میلیارد دلار در سال برآورد می‌شود. زنجیره ارزش ایجاد شده در کشاورزی تجاری که شامل بخش تولیدی محصولات کشاورزی، یا ماهی‌گیری و محصولات جنگلی و بخش‌های صنایع غذایی و فرآوری، بخش تأمین نهاده‌های کشاورزی و خدمات، خرده‌فروشی، بازاریابی و تجارت می‌شود بالغ بر ۴۰۵ میلیارد دلار در سال برآورد می‌شود. کشاورزان استرالیا ۶۰ درصد محصولات تولیدی خود را صادر می‌کنند و طبق گزارش اتحادیه کشاورزی استرالیا، یک درصد تغییر در ارزش دلار استرالیا سبب ۲۲۰ میلیون دلار تغییر در درآمد حاصل از صادرات محصولات کشاورزی استرالیا می‌شود. روشن است که اعداد و ارقام مربوط به اقتصاد و تجارت کشاورزی در استرالیا با آنچه که در ایران



مشاهده می‌شود مشابه نیست ولی به دلیل تشابهی که در عناوین انتظارات و سیاست‌گذاری‌ها وجود دارد دلایل دستیابی استرالیا به چنین موفقیت‌هایی حائز اهمیت است که در این رابطه نقش دولت و حدود و ثغور دخالت‌های آن در بخش کشاورزی قابل تأمل است:

نقش دولت استرالیا در کشاورزی

نقش دولت استرالیا در امور کشاورزی، نظارتی و حمایتی است و مهم‌ترین جنبه‌های این نظارت و حمایت عبارتند از ایجاد و توسعه فضای مناسب کسب‌وکار کشاورزی و زمینه‌سازی جهت توسعه پایدار فضای کسب‌وکار کشاورزی از طریق سیاست‌گذاری و ایجاد تسهیلات و مهم‌تر از همه تولید اطلاعات موردنیاز کسب‌وکار کشاورزی از طریق نظام تحقیق، آموزش و ترویج.

لازم به ذکر است که در استرالیا مزارع کشاورزی به‌عنوان بنگاه‌های اقتصادی خصوصی تلقی می‌شوند که طبق قوانین تجارت و اصول اقتصادی اداره می‌شوند. کشاورزان استرالیا در مدیریت مزارع دو هدف را دنبال می‌کنند یکی کسب سود و دیگری ایجاد واحدهای اقتصادی ماندگار برای نسل‌های آینده. بر اثر سیاست‌های اجرایی دولت، کشاورزان استرالیایی آگاهی لازم را در خصوص اقتصاد کشاورزی، اقتصاد محیط‌زیست و اقتصاد بین‌الملل دارند و به کشاورزی به‌عنوان یک موضوع جهانی نگاه می‌کنند. الگوی کشاورزی استرالیا علاوه بر تولید، به ایجاد اشتغال و درآمد نیز توجه دارد و این موضوع به‌صورت یک راه‌حل سیستماتیک در استرالیا پذیرفته شده است. آموزش در مقطع کارشناسی نیز به



نحوی برنامه‌ریزی شده است که هدف آن تربیت مدیران کشاورزی در سطح محدود برای ورود به عرصه عمل است.

در استرالیا بیش از ۵۰ درصد رشد کشاورزی ناشی از رشد بهره‌وری است که خود معلول نظام کارآمد تحقیق، آموزش و ترویج می‌باشد و در عین حال، تخصیص اعتبارات قابل توجه از محل کمک‌های دولت و مشارکت خود بهره‌برداران نقش مؤثری در رشد بهره‌وری کشاورزی داشته است. هدف اصلی بودجه‌های تخصیص‌یافته هم آن است که کشاورزی سودآورتر و پایدارتر شود. نظر به وابستگی سود کشاورزی به کیفیت اطلاعات در دسترس کشاورزان و مدیران از یک‌سو و تمایل کشاورزان به پذیرش نوآوری و فناوری و ریسک‌پذیری بالا از سوی دیگر، وزارت کشاورزی استرالیا به این امر یعنی تولید اطلاعات بسیار توجه می‌کند. چنین جهت‌گیری‌هایی باعث شده که کشاورزان استرالیا نیز به‌صورت تعاونی و در قالب گروه‌هایی نظیر **LandCare** فعالانه در مدیریت منابع طبیعی، آب‌و‌خاک و محیط‌زیست مشارکت نمایند و در واقع کشاورزان استرالیا خود را امانت‌دار محیط‌زیست برای جامعه می‌دانند و بدین ترتیب مالکیت، مدیریت و حفاظت از ۶۱ درصد زمین و منابع آن را به عهده گرفته‌اند.

البته همان‌گونه که اشاره شد اعداد و ارقام مربوط به کشاورزی استرالیا با ایران یکسان نیست ولی مقایسه بعضی اطلاعات کلی مربوط به دو کشور دارای اهمیت است. جمعیت استرالیا ۲۶ میلیون نفر و تعداد بهره‌برداران بخش کشاورزی آن ۱/۳ میلیون نفر (و در ایران ۴/۳ میلیون نفر) است. وسعت کشور استرالیا ۵ برابر وسعت کشور ما است و میزان تجارت خارجی بخش کشاورزی این کشور ۳۶ میلیارد دلار (در مقابل ۶ میلیارد دلار تجارت



خارجی کشاورزی ایران) است. در استرالیا یک رودخانه ۴ ایالت را مشروب می‌کند و ۱٪ اراضی تحت کشت آبی قرار دارد. آبیاری تمامی مزارع و باغات بر اساس برنامه منظمی به صورت مکانیزه، انجام می‌شود و در عین حال در همه جا آب باران برای مصارف دام و بهداشت ذخیره می‌شود. تولید دیم کمتر از ۷ تن در هکتار نیست، مقررات قرنطینه در مرز بین ایالات حاکم است و امنیت سرمایه‌گذاری شغلی و رفاهی برای کشاورزان تأمین است. همان‌طور که اشاره شد تولید دیم (عمدتاً گندم) به ازاء ۲۷۰ میلی‌متر بارندگی حدود ۷ تن است یعنی حدود ۲۵ کیلوگرم محصول به ازاء هر میلی‌متر بارندگی. میزان بارندگی کشور ما هم کم‌وبیش مشابه استرالیا است اما تولید دیم در بهترین شرایط معادل ۵ کیلوگرم به ازاء هر میلی‌متر بارندگی است و هنوز بحث تولید به ازاء واحد آب به جای تولید در هکتار **Water use efficiency** در کشور ما جا نیفتاده است.

بدون شک موفقیت‌های کشاورزی استرالیا متأثر از سیاست‌ها و برنامه‌های کلیدی این بخش است که به بعضی نکات آن اشاره می‌شود.

برنامه‌ها و سیاست‌های آب، کشاورزی و منابع طبیعی استرالیا

نظر به اینکه استرالیا خشک‌ترین قاره زمین محسوب می‌شود پارادایم مدیریت آب به تدریج از «مدیریت عرضه» به «مدیریت تقاضا» انتقال یافته است، جهت ارتقاء مدیریت تقاضای آب از مجموعه‌ای اقدامات سازه‌ای و غیر سازه‌ای شامل نظارت (کنترل)، مشوق‌های مالی و آموزشی استفاده می‌شود. بازار آب در این کشور بیشتر از کشورهای دیگر گسترش یافته است. در حوضه رودخانه ماری دارلینگ که حدود ۵۰ درصد کشاورزی آبی استرالیا در آن



قرار دارد، کشاورزان جهت مقابله با خشک‌سالی، آب را به‌صورت قراردادهای آتی خریدوفروش می‌کنند، دولت نیز برای ترغیب کشاورزان به کاهش حق‌آبه خود، آب مازاد را با قیمت مناسب خریداری و جهت حفظ محیط‌زیست و حیات آبریان رها می‌کند. از سال ۱۹۹۵ اصلاح سیاست آب جزء اولویت‌های کلیدی دولت قرار گرفته و در این رابطه شورای دولت‌های ایالتی یک بسته سیاستی در چهارچوب مدیریت یکپارچه آب تدوین نموده و حوضه‌های آبی به‌عنوان واحدهای هیدرولوژیک جهت منابع آب در نظر گرفته شده‌اند و به‌طور کلی کلیه مسائل اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی در چهارچوب این مدیریت یکپارچه و در پیوندی ارگانیک، اهداف زیر را دنبال می‌کنند: قیمت‌گذاری آب (با هدف بازیافت هزینه تأمین آب)، تخصیص آب به مصارف زیست‌محیطی، جداسازی مالکیت آب از مالکیت زمین، مجاز ساختن خریدوفروش حق‌آبه‌ها و به حداقل رساندن عدم اطمینان و ریسک. در نتیجه اعمال این سیاست، مبادله موقت حق‌آبه‌ها گسترش یافته و قیمت آب به قیمت تمام شده آن نزدیک شده است.

یکی دیگر از ویژگی‌های مرتبط با برنامه‌های کشاورزی، آب و منابع طبیعی استرالیا که این کشور را از بسیاری کشورهای دیگر متمایز می‌سازد عبارت است از نگرش سیستمی به صنعت کشاورزی یعنی توجه به زنجیره ارزش کسب‌وکار کشاورزی شامل بخش‌های تولید محصول، فرآوری و مارکتینگ و نهاده‌ها و خدمات کشاورزی. تجارب استرالیا در زمینه تجارت جهانی محصولات کشاورزی به‌ویژه روش‌های نفوذ در بازارهای هدف می‌تواند برای ایران هم مفید باشد؛ کشاورزان استرالیا جهت حفظ مزیت رقابتی خود در بازار جهانی



به شدت تلاش می کنند به طوری که رعایت استانداردهای ایمنی غذایی در صدر برنامه های آنان قرار دارد و از این نظر محصولات صادراتی استرالیا دارای شهرت جهانی است.

اطلاع از این نکته که واحدهای خصوصی کشاورزی در استرالیا به چه میزان در برنامه ریزی ها و سیاست گذاری ها نقش دارند و کشاورزی استرالیا با برخورداری از چه مفاهیمی به شرایطی رسیده است که یک صنعت تلقی می شود، برای کشور ما هم می تواند مفید باشد. توجه به این نکته نیز لازم است که در کشور استرالیا مسائل کشاورزی حتماً همراه با منابع طبیعی دیده می شود و دولت استرالیا به عنوان بخش حاکمیتی، حفظ منابع طبیعی را به عهده دارد، برای حفاظت از جنگل ها و مراتع قوانین سنتی از بالا به پایین وجود دارد، رسوب گذاری یکی از اتفاقات منفی در عملکرد استانداری ها است، برداشت غیرمجاز از جنگل ها به چشم نمی خورد، گوسفندداری بر اساس نظام بهره برداری از مراتع انجام می شود، حفظ گونه های در حال انقراض در این کشور رتبه اول جهانی را به خود اختصاص داده و بعد از برزیل، به دلیل توسعه جنگل کاری در خارج از عرصه های طبیعی با هدف تولید چوب، این کشور را به مهم ترین تولیدکننده چوب و نئوپان تبدیل کرده است.

دولت استرالیا با توجه به شرایط خاص تغییرات آب و هوایی در کره زمین ۱۳ میلیارد دلار بودجه به منظور تعیین چگونگی سازگاری با شرایط جدید و به کارگیری ارقام مقاوم به خشکی و بیماری ها اختصاص داده و این موضوع نشان می دهد که دولت در چه سطحی برای رفع موانع فعالیت های بخش خصوصی وارد می شود تا بخش خصوصی بتواند به فعالیت های خود ادامه دهد.



به‌طور کلی اطلاعات مورد نیاز کشاورزان از طریق تحقیقات دولتی در اختیار کشاورزان قرار می‌گیرد و کشاورزان با علم کامل به وضعیت صادرات، مبادرت به تولید می‌کنند ضمن اینکه امر صادرات هم متعلق به کشاورزان است و توسط بخش خصوصی مدیریت می‌شود. دولت قراردادهای را نظارت می‌کند که خسارتی متوجه تولیدکننده نشود و در عمل خدمتگزار کشاورزان است.

این نکته حائز اهمیت است که در استرالیا بار فرهنگی و ارزشی کشاورز و فعالیت‌های کشاورزی بسیار بالاست و به‌طور عینی و واقعی کشاورزان یک سر و گردن از بقیه شهروندها بالاترند.

در خصوص جایگاه صنعت و کشاورزی نیز حرکت‌ها به‌گونه‌ای بوده که مرز صنعت و کشاورزی برداشته شده، تعدادی بنگاه خصوصی که در یک زمینه فعالیت می‌کنند صنعت نامیده می‌شوند. لذا به‌جای کشاورزی صنعتی هم صنعت کشاورزی مصطلح است. این نگاه دارای پایداری خاصی است و منابع را به‌صورت سالم از نسلی به نسل بعدی منتقل می‌کند. شیوه کار کشاورزی در استرالیا به نحوی است که در اعتقادات اسلامی ما به‌عنوان قاعده «لاضرر و لا ضرر» نامیده می‌شود، ضمن اینکه از نگاه ما تولیدی که به کاهش و رفع فقر ملت بیانجامد بزرگ‌ترین ثواب را هم دارد.

نکته دیگر اینکه ما هم ناگزیریم در کشورمان تولید به‌ازاء واحد آب را به‌جای تولید در واحد سطح مطرح کنیم بخصوص وقتی می‌بینیم رسیدن از $0/4-0/5$ کیلوگرم ماده خشک به‌ازاء هر مترمکعب آب مصرفی به $1/8$ تا 2 کیلوگرم چه اهمیتی دارد و برای افزایش بهره‌وری آب چه راه‌های متنوعی را باید طی کنیم. تشکیل بازار آب در ایران از نظر تئوری



به نفع کشاورزان است و باعث می‌شود ارزش واقعی آب معلوم شود. در حال حاضر هم بازار محلی آب در ایران وجود دارد اما درعین حال به بعضی زیرساخت‌ها و قوانین ناظر بر مبادلات آب هم نیاز داریم که فعلاً فاقد آن هستیم. البته بازار آب به زیان کشاورزان خرده‌پا است لذا فایده و هزینه این اقدام بایستی به‌خوبی دیده شود. هرچند مبادلات آب در بعضی مناطق می‌تواند مفید باشد ولی هزینه انتقال آب بین حوزه‌ای بسیار زیاد است و گاهی به منازعات محلی هم می‌انجامد (مثل حوزه زاینده‌رود) بنابراین دو موضوع کمیابی آب و منازعات حاکم بر آن بایستی توأم باهم دیده شود.

تجارب استرالیا اهمیت این موضوع را نشان می‌دهد که بهتر است در مسیر تدوین الگوی پیشرفت بحث آب به‌عنوان بحث پایه انتخاب و با تدوین الگوی مناسبی برای آب، سایر نقاط اساسی دیگری را که در این راستا حائز اهمیت هستند تبیین نمائیم.



فصل سوم: ژاپن

ویژگی‌های کشاورزی ژاپن

قسمتی از چالش‌های امنیت غذایی ژاپن در اثر تغییر سبد غذایی مصرفی مردمان این کشور به وجود آمده است. در سال‌های اخیر با وجود اینکه ژاپن در تولید برنج توانمند و بیش از ۹۰ درصد فرآورده‌های دامی خود را وارد می‌کند، میزان جذب کالری از برنج در این کشور به نصف رسیده در حالی که مصرف محصولات دامی دو برابر شده است. آنچه در کشاورزی ژاپن بیشتر نمودار می‌شود، زمین‌های با اندازه مزرعه‌ای کوچکی است که قرار است غذای دهمین کشور پرجمعیت جهان را تأمین کند.

اندازه مزرعه در ژاپن حدود ۱/۸ هکتار است. بیش از ۵۷ درصد کشاورزان ژاپنی در سنین ۶۵ سالگی به بالا و بیش از ۷۰ درصد آنها سنی حدود ۶۰ سال به بالا دارند، متوسط درآمد کشاورز در ساعت حدود ۱۱/۲ دلار آمریکا است که چیزی حدود ۴۰ درصد درآمد یک کشاورز آمریکایی است. بیش از ۲ میلیون کشاورز ژاپنی درآمد اصلی‌شان را خارج از مزرعه تأمین می‌کنند.

سیاست‌گذاران ژاپنی تصمیمی اتخاذ کرده‌اند که به نظر کارشناسان متناسب با واقعیاتی همچون تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی به مجتمع‌های مسکونی، کاهش تولیدات کشاورزی در ۲۵ سال اخیر و غیرمحمتمل‌تر شدن خودکفایی در محصولات اساسی این کشور نیست و آن تصمیم صادرات سوخت زیستی است. یکی از اساتید دانشگاه‌های ژاپن با فرض بر اینکه سوخت زیستی ۱۰ درصد مصرف کشور را به خود اختصاص دهد اعلام کرده برای تأمین ۵۰ درصد سوخت زیستی در آن شرایط تا سال ۲۰۲۰ باید نیمی از



زمین‌های کشاورزی را به این امر اختصاص داد. با این حال طرحی رسمی برای احیای کشاورزی ژاپن پی‌ریزی شده است که طبق آن تا سال ۲۰۱۵ میلادی ۲ میلیون هکتار زمین کشاورزی به ۴۰۰ هزار قطعه تعدیل می‌شود و این امر انقلاب بزرگ ساختاری و اجتماعی در این کشور خواهد بود. به طور غیررسمی این انقلاب در حال گسترش است و تعداد زیادی از جوانان این کشور با ابتکار عمل و دور زدن استراتژی‌های محدود دولتی، راه حفظ و اعتلای فرهنگ کشاورزی ژاپنی را برای تنوع‌بخشی و تحکیم بنیان‌های اقتصاد غربی خود مبتنی بر مدل مزرعه می‌پیمایند.

نگاه به تجربیات کشاورزی ژاپن می‌تواند برای ما دربرگیرنده فوایدی باشد که در ادامه مباحث به آن اشاره می‌شود.

مبانی تفکرات اقتصاد ژاپن در توسعه بخش کشاورزی

تفکرات اقتصادی و کشاورزی ژاپن را می‌توان در سه دوره مورد بررسی قرار داد:

الف- شکل‌گیری تفکرات اقتصادی و کشاورزی ژاپن در عرصه فئودالیزم و انزوا.

در این دوره ۷ عنصر اساسی زیر در شیوه اداره امور کشاورزی کشور به چشم می‌خورد:

۱- تقسیم‌بندی طبقات اجتماعی با توجه به تولید کشاورزی، به طبقاتی شامل:

سامورایی‌ها، دهقانان، صنعتگران و تجار.

۲- غلبه نظریاتی شبیه فیزیوکرات‌ها که کشاورزی را تنها منبع ثروت می‌دانستند. غلات

گنج به شمار می‌آمد و طلا و نقره در خدمت غلات شمرده می‌شد ... و رهبران فرزانه برای

مردم به وفور غلات تولید و ذخیره می‌کردند.



۳- رقابت سران تیول ها (Daimyo) در تولید کشاورزی بخصوص برنج به‌عنوان ابزاری

غذایی و نظامی

۴- اعتبار تیول ها به قدرت تولید کشاورزی

۵- اعتقاد به «تولید در محل»، «مصرف فرآورده محلی»، «صادرات به تیول‌های دیگر»

به‌منظور کسب فلزات گران بهاء.

۶- کنترل واردات به خصوص محصولات مشابه

۷- اتخاذ سیاست‌های تشویقی و اجباری برای «تولید فرآورده‌های محلی» عمدتاً محصولات

کشاورزی و فرآورده‌های دریایی توسط حکومت‌های محلی و حکومت مرکزی

ب- تفکرات اقتصادی و کشاورزی ژاپن در عصر تجدد از عصر مسیحی تا بعد از جنگ دوم

جهانی.

مبانی تفکرات این دوره هشت نقش مهم، تاریخی و سازنده برای بخش کشاورزی را در

مراحل اولیه توسعه اقتصادی ژاپن، در شرایط نظام ارباب و رعیتی و آثار ناشی از پنجاه

سال جنگ به شکل زیر نشان می‌دهد:

۱- تأمین منابع درآمدی بودجه کشور، بطوریکه ۸۰ درصد آن از بخش کشاورزی تأمین

می‌شد و بیانگر نوعی استثمار دهقانان و مالکان برای انباشت اولیه سرمایه در مراحل اولیه

رشد نوین است. بخش کشاورزی ژاپن (از جمله ابریشم و فرآورده‌های دریایی) تا اوایل

جنگ اول جهانی ۸۰ درصد صادرات این کشور را تشکیل می‌داد.

۲- تولید غذا به‌منظور امنیت اجتماعی و ذخیره ارز خارجی برای واردات کالاهای

سرمایه‌ای و فن‌آوری نوین.



۳- صادرات محصولات کشاورزی به منظور تأمین ارز واردات کالاهای سرمایه‌ای و تکنولوژی نوین از غرب

۴- نقش بازار داخلی برای محصولات صنایع سبک و صنایع رو به رشد

۵- تأمین مواد خام برای صنایع سبک رو به رشد نظیر نساجی

۶- تأمین نیروی کار آشنا به روند تولید محصول

۷- عرضه سرمایه اولیه بعضی صنایع از طرف زمین‌داران علاقه‌مند، به طوری که بعضی از زمین‌داران عمده پس از اصلاحات ارضی بعد از جنگ دوم جهانی به کارخانه‌داران پیشرو مبدل شدند.

۸- تشکیل تعاونی‌های کشاورزی به عنوان نهاد پیشرو در تسریع روابط تولید و سرمایه‌داری در بخش کشاورزی

ج- مبانی نظری اقتصاد رایج در دوران رشد سریع اقتصادی و نقش کشاورزی بعد از جنگ دوم جهانی تا دهه ۱۹۸۰

واژه‌ها و مفاهیمی که در تفکرات اقتصادی ژاپن در این دوره بیش از همه، مرسوم شده و نقش‌آفرینی کرده است را به شرح زیر می‌توان برشمرد:

۱- اقتصاد به معنی مدیریت کشور و تسکین آلام مردم

۲- تداوم به معنی انباشت مستمر سرمایه انسانی و مالی

۳- تغییر به عنوان همپایی با عصر و زمان از لحاظ فن‌آوری نوین حتی در عصر فناوری زیستی

۴- ایجاد فرصت‌های شغلی به عنوان راه اصلی تسکین آلام و هدف اصلی نظام اقتصادی



- ۵- رقابت ضمن برقراری تعامل بین بنگاه‌ها
- ۶- نیروی کار به‌عنوان والاترین دارایی فرد ژاپنی
- ۷- تجارت به معنی توسعه و ترویج صنایع داخلی نه دلالی کالای بیگانه
- ۸- واردات به معنی واردات مواد خام برای تولید کالاهای باارزش افزوده و ایجاد فرصت‌های شغلی نه واردات کالاهای مصرفی.
- ۹- واردات کالاهای آماده مصرف یعنی خروج درآمد ملی از کشور
- ۱۰- اعتقاد به مکانیزم بازار توأم با ایمان به نقش دولت
- ۱۱- نیروی کار نه به‌عنوان هزینه تولید بلکه به‌عنوان دارایی بنگاه
- ۱۲- مزیت نسبی به‌عنوان پدیده‌ای اکتسابی نه طبیعی
- ۱۳- صادرات به‌عنوان محرکه اصلی رشد
- ۱۴- صرفه‌جویی و پس‌انداز به‌عنوان ارزشی فرهنگی
- ۱۵- جلوگیری از صادرات مواد خام (حتی سیب‌زمینی!).

اصلاحات و اقدامات ساختاری ژاپن در بخش کشاورزی

از عمده‌ترین اقدامات و اصلاحاتی که در دوران رشد اقتصادی ژاپن، نسبت به بخش کشاورزی اعمال شده و همین امر موجبات پایداری فعالیت کشاورزی را فراهم آورده است موارد زیر قابل ذکر است:

- ۱- تدوین قوانین سخت نسبت به انتقال زمین‌های کشاورزی به کاربری‌های غیر کشاورزی



- ۲- ایجاد تعاونی‌های دهقانی منطقه‌ای و سراسری با مشارکت ۱۰۰ درصدی کشاورزان به‌عنوان قدرتی برای چانه‌زنی با دولت در جهت حمایت از بخش کشاورزی.
- ۳- کوتاه کردن قاطع دست واسطه‌ها (میدان‌داران و بارفروشان دلال) از سر کشاورزان با مشارکت قدرتمندانه تعاونی‌های مستقل (نه تعاونی‌های دولتی).
- ۴- ارائه تسهیلات ارزان برای کشاورزان از طریق تعاونی‌ها و مسئول دانستن تعاونی‌ها در مقابل تسهیلات ارائه شده.
- ۵- تسریع مکانیزه کردن بخش کشاورزی با کمک بخش خصوصی صنعتی به علت مهاجرت کشاورزان به‌عنوان نیروی کار به بخش صنعتی در دوران رشد سریع، به خصوص در مناطقی نظیر توکیو، اوساکا و ناگويا.
- ۶- کنترل قیمت برنج تا اواسط دهه ۱۹۹۰ با دخالت دولت و از کانال تعاونی‌ها.
- ۷- آزادی واردات برای محصولات غیراستراتژیک ولی در ابتدا به روش سهمیه‌بندی تا اواخر دهه ۱۹۸۰
- ۸- آزادی واردات محصولاتی نظیر گندم، ذرت و سویا از آمریکا به خاطر نیاز داخلی و کمک به تراز تجاری دو کشور که عمدتاً به سود ژاپن است.
- ۹- کنترل شدید واردات برنج در دوران مقررات گات و حتی بعد از تأسیس WTO ابتدا از طریق سهمیه‌بندی واردات و سپس از طریق تعرفه‌های گمرکی و موانع غیر گمرکی تا حدی که قیمت برنج وارداتی برابر قیمت محصولات داخلی تمام شود. آنگاه قبول حداقل دسترسی (Minimum Access) و ارسال آن به‌عنوان کمک غذایی به کشورهای آفریقایی.



۱۰- ایجاد صنایع تبدیلی برای ممانعت از صادرات فرآورده‌های کشاورزی بدون پالایش و ایجاد ارزش افزوده حتی برای سیب‌زمینی.

تحولات ژاپن در اوایل قرن بیست و یکم

تأثیر نقش بخش کشاورزی در رهایی از دو دهه رکود و مبانی اقتصادی ژاپن از جمله تولید و تغییرات مستمر فن‌آوری همپای عصر فناوری زیستی موجب شد که در قرن بیست و یکم و در شرایط داشتن پیشرفته‌ترین ساختار صنعتی، این کشور هنوز یکی از محورهای توسعه امنیت غذایی توأم با امنیت نظامی و حمایت از محیط‌زیست را در بخش کشاورزی مبتنی بر صادرات می‌جوید زیرا که اقتصاد صادراتی را بهترین شیوه اقتصاد مقاومتی تلقی می‌کند و بدین ترتیب اساسی‌ترین عواملی که موجب رهایی ژاپن از رکودهای اقتصادی دهه‌های اخیر شده را می‌توان تلفیقی از سیاست‌های انبساط مالی، سیاست‌های انبساط پولی و تأکید بر توسعه بخش کشاورزی صادراتی به‌منظور تأمین بخشی از نرخ رشد مورد انتظار در اقتصاد کشور دانست.

شرایط تاریخی، اجتماعی و جغرافیایی کشور ما با ژاپن اختلاف دارد ولی از تجربه توسعه در ژاپن چند نکته را می‌توانیم دریابیم.

۱- آیا بر اساس شرایط کشور و جامعه خودمان، فکری را پشت همه حرکت‌ها داریم

۲- آیا با توجه به تفاوت‌هایی که بین ما و کشور ژاپن وجود دارد، به این تفاوت‌ها و دلایل و عوامل آن بخصوص در مورد نیروی انسانی اهمیت می‌دهیم؟



۳- ظاهراً در ژاپن هم مثل خیلی کشورهای دیگر اراضی کشاورزی و منابع طبیعی تثبیت (فریز) شده‌اند و کسی امکان تغییر کاربری این اراضی را ندارد و در کشور ما شرایط به گونه دیگری است.

۴- طراحی برنامه‌های ژاپن از پایین به بالا است. کشاورزان بایستی در تدوین برنامه‌ها از سطح روستایی تا سطح ملی حضور داشته باشند.

در هر صورت درحالی‌که ما فقط کمیت‌ها را مطرح می‌کنیم در برنامه توسعه ژاپن پشت همه اعداد، فکری وجود دارد مسلم است که سهم ۱۳٪ بخش کشاورزی ما از تولید ناخالص ملی به تدریج کمتر هم خواهد شد (در آمریکا هم همین‌طور است) ولی اهمیت بخش کشاورزی باید به‌درستی شناخته شود. در خصوص وضعیت کشاورزی در داخل کشور، وقتی بحث صادرات اقلامی مثل ماکارونی و بیسکوئیت می‌شود باید بدانیم که این محصولات هم متکی به گندم هستند، لذا اعداد و ارقام واردات گندم هم تحلیل بیشتری لازم دارد. همچنین لازم است وقتی چالش‌های بخش کشاورزی را بررسی می‌کنیم علاوه بر بحث‌های فنی و علمی، وضعیت کشاورزان هم در بحث‌ها مورد توجه قرار گیرد.

بررسی روند پیشرفت در ژاپن

تجربه ژاپن نشان می‌دهد که الگوی توسعه اقتصادی- اجتماعی به هر شیوه‌ای، قبل از آنکه نتیجه اعمال انواع و اقسام مدل‌ها و مجموعه‌ای از پروژه‌های پی‌درپی و کوتاه‌مدت و حضور طبیعی انواع و اقسام مزیت‌های نسبی فیزیکی حتی به‌اندازه چند قاره به همراه تحولات سیاسی باشد، ثمره غلبه نوعی اندیشه و فلسفه اقتصادی- صنعتی است که در فرآیندی



بلندمدت بر سیاست‌های اقتصادی- اجتماعی و نهادهای ابداع شده در سازمان‌بندی صنعتی - کشاورزی تأثیر گذاشته و باعث فرآیندی می‌گردد که در بلندمدت دارای روابط تکمیلی با روند توسعه که روندی انباشتی- تدریجی است می‌شود و نه جانشین آن.

تجربیات صد سال گذشته ایران نیز نشان داده است که توسعه به شیوه‌های مهندسی- پروژه‌ای و مقطعی که حاصل فرآیندی بلندمدت نیستند، نه تنها به سرانجام موردنظر نرسیده بلکه بالعکس جانشین توسعه و پیشرفت که الگوی غالب امروزی است شده است.

ژاپنی‌ها از سال ۱۹۴۵ که متوجه شدند جنگ را باخته‌اند و بایستی کشور را بسازند گروهی ۳۰ نفره را (از نخبگان) در اختیار داشتند که از همان زمان مسائل کلان کشور را بررسی می‌کردند و سیاست‌ها و اولویت‌هایی را که بایستی مجلس و دولت اعمال کنند تعیین و پس از تأیید امپراتور ابلاغ می‌کردند. در این کشور، صنعت و کشاورزی توأم باهم فعالیت می‌کنند و در کنار کارخانجات صنعتی اراضی زراعی که به شدت تحت برنامه‌های کشاورزی قرار دارد مورد بهره‌برداری هستند. البته مالکیت اراضی به تدریج خرد شده است. در دو دهه قبل حدود ۷۱ درصد اراضی زیر ۲ هکتار و متعلق به کسانی بوده که کشاورزی شغل دوم آنها است و حدود ۱۴ درصد از اراضی بین ۲ تا ۵ هکتار متعلق به کسانی بوده که کشاورزی شغل جانبی آنها است و این قبیل صاحبان اراضی عمدتاً زندگی خود را از دو طریق خدمات و کشاورزی می‌گذرانند و مابقی اراضی که بالاتر از ۵ هکتار بوده متعلق به کسانی است که کلاً از طریق کشاورزی امرار معاش می‌کنند. روحیه صرفه‌جویی و قناعت در ژاپنی‌ها به خوبی به چشم می‌خورد و اطلاع از وضعیت کنونی ژاپن هم از این جهت که



چه تغییراتی در نظام بهره‌برداری حاصل شده و اراضی کشاورزی چگونه باقی مانده‌اند حائز اهمیت است.

همان‌گونه که اشاره شد اقتصاد ژاپن از مبانی فکری فلسفی روشنی برخوردار است. ما هم به لحاظ فلسفی مشکلی نداریم و در حال حاضر حتی سیاست‌های کلی نظام در بخش‌های مختلف از جمله کشاورزی روشن و مدون است اما آنچه که برای ما مسئله است، مشکلات موجود در مراحل اجرایی است. در ژاپن قوانین جلوگیری کننده از خرد شدن اراضی و سیاست‌های حمایتی دولت از بخش کشاورزی به‌خوبی عمل می‌شود. برای ما هم در بخش کشاورزی مسائلی همچون سودمندی توأم با حفظ منابع و محیط‌زیست و تعامل مناسب بین این دو مقوله و حمایت‌ها و کنترل‌ها در سیاست‌های تولیدی و صادراتی دارای اهمیت است.

تفاوت‌های مربوط به شرایط طبیعی و اقلیمی و بارندگی در ایران و ژاپن و تأثیر آن در سیستم کشاورزی باید مورد توجه قرار گیرد. اما به هر دلیل به این ویژگی بایستی توجه کنیم که درحالی‌که خرده مالکی در ژاپن یک مزیت به حساب می‌آید و افراد در سنین بالا هم دوست دارند کاربری اراضی خود را حفظ نمایند، کشاورزان ما به دلیل افزایش قیمت زمین مایل به تغییر کاربری هستند. برای چنین تفاوت‌هایی بایستی در تدوین الگوی پیشرفت، راه‌حل‌های مناسبی ارائه شود. آشنایی با این موضوع که در کشور صنعتی ژاپن، باوجود محدودیت زمین، فرهنگی حاکم شده است که برای حفظ اراضی، ایجاد انگیزه می‌کند شایان توجه است. آیا آنها از مکتب و آئینی پیروی می‌کنند که چنین انگیزه‌هایی را فراهم می‌کند یا فرهنگ حاکم به‌صورت دیگری شکل گرفته است.



معماری الگوی توسعه کشاورزی در ژاپن و تجاربی برای ایران

تأمل در تجارب کشاورزی ژاپن این فکر را تقویت می‌کند که ما واقعاً چه کاری باید انجام دهیم که مشکل حل شود. ما هم می‌گوییم کشاورزی محور است، اما در عمل راه دیگری می‌رویم چون تفکر و باور لازم در دولت و جامعه وجود ندارد. انگیزه، باور و تفکر و علم در امر توسعه بسیار مهم‌اند. انگیزه‌های کشاورزی در کشور ما یا ناشی از ناچاری کشاورز است یا به دلایل دیگری که پایداری ندارد ولی در ژاپن، با استفاده از تعرفه‌ها و کنترل‌ها و برنامه‌ریزی‌ها ایجاد انگیزه می‌کنند. در کشور ما واحدهای تولیدی مثل گاوداری‌ها به دلیل ورود شیر خشک و ضعف حمایت‌های دولت و جامعه، دچار مشکل شده‌اند و سرمایه‌گذاری دچار ریسک بالایی است.

در جنبه‌های فکری و عملی هم بایستی نیروهای نخبه و متفکر چه در سطوح مدیریت چه در جامعه کشاورزی تربیت شوند و بتوانند در مجلس و دولت حضور داشته باشند و شرایط طوری نباشد که فقط یک کمیسیون در مجلس و یک وزیر در دولت تنها حامیان این بخش باشند. بدیهی است که با نیروسازی صحیح وضع اقتصاد و مدیریت بخش کشاورزی بهبود پیدا می‌کند.

در کشور ژاپن که روزگاری ۸۰٪ مردم آن شب‌ها گرسنه می‌خوابیدند و اینک شاهد چنین توسعه‌ای است چند عامل حائز اهمیت ویژه بوده‌اند که عبارتند از: «منابع، فرهنگ، نهاد و ساختار، فن‌آوری». این چهار عامل می‌تواند کشاورز را از فقر رها کند. در کشور ما هنوز علم و تکنولوژی هم به‌طور کامل وارد بخش کشاورزی نشده است و وجود کشاورزان که عامل اصلی در توسعه بخش کشاورزی هستند همراه با علم و تکنولوژی به‌طور کامل



بایستی مورد توجه باشد. در ایستگاه‌های تحقیقاتی برنج ژاپن یادداشت‌برداری‌های محققین مربوط به ۱۵۰ سال قبل هم هنوز با دقت نگهداری می‌شود و همین امر که محققین ژاپنی از ۶-۵ نسل گذشته دستاوردهای خود را تکمیل کرده و در اختیار کشاورزان قرار داده‌اند موجب شده که ژاپن، بعد از مصر بالاترین عملکرد برنج را داشته باشد.

شیوه برخورد ژاپنی‌ها با مسائل کشاورزی دو نکته اساسی را هم برای ما روشن می‌سازد: اولاً اینکه هرچند نگاه فنی ما در تدوین الگو می‌تواند کشاورزی را امری مهندسی ببیند، باید با بهره‌گیری از تجارب مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی کشورهای نظیر ژاپن که با تعداد بهره‌برداران متفاوت، بهترین طبقه اجتماعی را به کشاورزان خود اختصاص داده‌اند، هم با واحدهای خرد و هم با واحدهای کلان، به الگویی برسیم که این جایگاه اجتماعی برای کشاورزان فراهم شود.

ثانیاً این سؤال هم بایستی پاسخ داده شود که از جنبه سیاست‌های اقتصادی، چه با نگاه به صادرات و چه با نگاه به تأمین نیاز داخلی، اصولاً امر کشاورزی (فارغ از کشاورزان) چه نقش و جایگاهی را در اقتصاد و سیاست‌های داخلی و خارجی مرتبط با آن خواهد داشت؟

در کتاب سپیدی که از سال ۱۹۴۷ به‌طور سالانه در ژاپن چاپ می‌شود سیاست‌گذاری‌هایی که با استفاده از تفکرات مختلف و رعایت منافع جمع و آزادی افراد در چهارچوب مصالح جامعه و پس از نهایی شدن مراحل نظری آن، تدوین شده است ابلاغ می‌شود. با توجه به اینکه مفهوم توسعه و پیشرفت همگانی و اجتماعی شده و کارشناسان و دانشگاهیان نیز روی سیاست‌ها نظر می‌دهند و مقاومت‌ها در مرحله طراحی سیاست‌ها به سرانجام رسیده و دولت نیز مقتدر است. بنابراین آنچه که ابلاغ می‌شود، به مورد اجرا گذارده می‌شود.



همان‌طور که قبلاً اشاره شد از سال ۱۹۴۷ به بعد یک گروه ۳۰ نفره مسئول، بررسی مسائل کلان کشور را به عهده دارند و سیاست‌ها و اولویت‌ها را تعیین و پس از تأیید دولت و مجلس به مرحله اجرا در می‌آید. مالکیت‌های خرد که زیر یک هکتار هستند با پراکندگی و چندجایی اراضی متعلق به هر فرد موضوعی است که دولت برای این قطعات نیز سیاست‌هایی را اعمال می‌کند. صادراتی کردن تولیدات کشاورزی از طریق ایجاد و توسعه بنگاه‌های کشاورزی یکی از سیاست‌ها است و در حال حاضر محصولات جالیزی نظیر گوجه‌فرنگی به صورت بنگاهی تولید می‌شود. درحالی‌که وسعت اراضی کشاورزی از ۶ میلیون هکتار به ۳ میلیون هکتار (با کمتر از ۳ میلیون خانوار) کاهش یافته است کشاورزان نسبت به ورود سرمایه‌داران جدید به این بخش نگران‌اند و کمیته‌های کشاورزی روستاها نسبت به این موضوع مراقبت و حساسیت نشان می‌دهند و در حال حاضر عدم رضایت کشاورزان به فروش زمین‌هایشان به صورت یک مشکل خودنمایی می‌کند.

در خصوص برنامه‌های توسعه به‌طور کلی این نکته حائز اهمیت است که فرهنگ‌سازی در این زمینه به صورت یک اصل درآمده است. به دانش‌آموزان ابتدایی نیز آموزش می‌دهند که ما کشور فقیری هستیم که نیاز به کار داریم (درحالی‌که ما به دانش‌آموزان مان آموزش می‌دهیم که آنچه خوبان همه دارند تو تنها داری!).

تراز تجاری ژاپن با آمریکا مثبت است و اگرچه ۸۰٪ سویا و گندم موردنیاز خود را از آمریکا یا استرالیا می‌خرد و آمریکا صادرکننده محصولات کشاورزی به ژاپن است اما ژاپن گوشت تولیدی دامداران را بر اساس قیمت‌های جهانی می‌خرد و به مصرف‌کنندگان با قیمت گران‌تری می‌فروشد تا دامداران قادر شوند با ذخیره‌ای که بر اساس همین



مابه‌التفاوت به صندوق حمایتی آنان واریز می‌شود نیازهای تحقیقاتی و اجرایی خود را مرتفع کنند. یعنی برخلاف ما که کشاورزی‌مان در اختیار بخش تجارت است و واردکننده و مصرف‌کننده کالاهای ارزان خارجی شده‌ایم در ژاپن بخش مالی در خدمت کشاورزی و صنعت است، البته منظور این نیست که بگوئیم ژاپن بهترین الگو برای ایران است بلکه بررسی مسائل ژاپن به شیوه تفکر ما برای رسیدن به الگو و معماری این الگو کمک می‌کند. به خصوص اینکه از زمان قاجار، روی مسائل ژاپن در ایران کار می‌شد و هنوز هم چگونگی توسعه ژاپن برای ما مطرح و قابل توجه است.

در خصوص مهندسی‌سازی فعالیت‌های کشاورزی در مسیر تدوین الگو، ذکر این توضیح لازم است که توسعه یک فرایند است، پروژه نیست و کشاورزان هم بایستی در تصمیمات حضور و مشارکت داشته باشند و مهندسی‌سازی در فرآیند تدوین الگوی پیشرفت بایستی محدود به مسائلی که عرفاً به‌عنوان پروژه تلقی می‌شوند باقی بماند. بلکه علوم مهندسی در تمامی مسیری که این فرآیند طی می‌نماید بایستی حضور کافی داشته باشد.

نکته جالب توجه این است که سابقه کشور ما در برخورداری از سازمان برنامه دیرینه‌تر از ژاپن است ولی چون در مبانی فرهنگی و فکری مشکل داشته‌ایم این سازمان به‌خوبی ایفاء نقش نکرده است. دولت ژاپن در تعامل نزدیک با بخش خصوصی است و کشاورزی را تنها به‌صورت کمی نمی‌بیند، بلکه به‌صورت کیفی هم می‌داند که در آن جزیره دورافتاده چگونه از تولید غذای مورد نیاز مردم خود حمایت کند و باوجودی که قوانین محدودکننده تغییر کاربری باعث بالا رفتن قیمت زمین شده و بخش کشاورزی هم از کهنوت سن نیروی کار



بی‌نصیب نیست. ولی تأکید بر توسعه کشاورزی صادراتی به‌منظور تأمین بخشی از نرخ رشد اقتصادی همچنان ادامه دارد.

در هر صورت باید توجه داشته باشیم که توسعه و پیشرفت یک مسئله فکری است. در سال‌هایی که ما به دنبال تکنولوژی بودیم ژاپنی‌ها توسعه فکر را دنبال کردند و با گرفتن مفاهیم اصلی توسعه به فرصت‌ها دست یافتند و در حال حاضر نیز چهارچوب نظری اقتصاد، کار خود را می‌کند و سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه اقتصادی بر اساس مفاهیم و اندیشه‌های اقتصادی شکل می‌گیرد.

به همین دلیل است که پشت هر عددی از توسعه، مبانی فکری و فلسفی خاصی قرار دارد. توسعه ژاپن را بر اساس همین مبانی بایستی ارزیابی نمود. در ژاپن از سال ۱۹۵۴ تا ۱۹۹۹ واردات هر نوع فرآورده نفتی جز نفت خام ممنوع بوده است، زیرا فرصت اشتغال و تولید کار در نظام اقتصادی، به‌عنوان یک اصل عمل می‌کند و هر شرکتی که نیروی بیشتری جذب کند امتیاز بالاتری می‌گیرد و همان‌گونه که گفته شد نیروی کار به‌عنوان بالاترین دارایی فرد تلقی می‌شود. صندوق‌های تشویقی در این رابطه فعال شده و اینک نرخ بیکاری ۴/۲ درصد ژاپن، کمترین نرخ بیکاری در جهان است. فعال‌سازی بازار داخلی بخش کشاورزی به‌نحوی که این بخش بهترین خریدار کالاهای تولید شده صنایع سبک است و توسعه بازار خارجی (صادرات) و استفاده از ارز حاصل از صدور کالاهای کشاورزی برای تأمین کالاهای سرمایه‌ای و سایر اقدامات نهادینه شده نظیر آن نشان می‌دهد که در روند پیشرفت ژاپن علاوه بر شناخت مبانی فکری و فلسفی مؤثر، ساختارهای مبتنی بر این مبانی نیز از چنان معماری مناسبی برخوردار بوده‌اند که علیرغم فراز و فرودهای مختلف و



تغییرات چشمگیر در سیاست‌های اقتصادی داخل و خارج از کشور، بخش کشاورزی
همچنان جایگاه خود را در عرصه فعالیت‌های اقتصادی اجتماعی جامعه به‌عنوان یک بخش
مهم و واجد احترام، حفظ نموده است.



فصل چہارم: فرانسہ

ویژگی‌های کشاورزی فرانسه

انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ میلادی رخ داد. ۴ سال پس از آن، در سال ۱۷۹۳ روستائیان و کشاورزان در مبارزه‌ای سخت، عمده سرزمین‌های فئودالی را به تصرف درآوردند و بین خود تقسیم کردند. لازم به ذکر است که روستائیان فرانسه یکی از ارکان انقلاب فرانسه بودند. نزدیک به یک قرن، روستائیان زندگی محقرانه و سختی را می‌گذراندند چرا که هنوز بقایای رسوم فئودالی وجود داشت. اما به‌صورت روند غالب با شکل‌گیری جمهوری فرانسه زمینه‌ای فراهم شد تا روستائیان برای بهبود وضعیت کسب‌وکار و حقوق باقی‌مانده خود اقدام نمایند. نکته جالب توجه این است که شاخص‌ترین جنبه مبارزه بی‌امان کشاورزان در طی یک قرن مذکور، استقرار کشاورزی خانواده‌ای در عرصه‌های تولید بود.

شایان ذکر است که حرکت روستائیان و کشاورزان باعث شد که از بین سه نظریه موجود و رایج آن زمان در زمینه تحول و توسعه کشاورزی به ترتیب متعلق به «مارکس» با تشبیه کشاورزان و روستائیان به یک گونی سیب‌زمینی، «کائوتسکی» با دفاع از کشاورزی بزرگ همانند توسعه صنعتی و «چاپانوف» با طرح مواضع اقتصادی بودن کشاورزی خرد و خانوادگی (نظریه‌ای برای نظام‌های اقتصادی غیرسرمایه‌ای)، نظریه چاپانوف به اثبات برسد. جوانان مسیحی کشاورز نقش بسیار مهمی در این ماجرا داشتند. آنها تشکیلات خود را در سال ۱۹۲۹ پایه‌گذاری کردند و مبارزات آنها (تا ۱۹۵۰ پس از جنگ جهانی دوم) که منجر به تسلط نظام تولید خانوادگی در کشاورزی شد ادامه داشت.



یک دهه تلاش سندیکاهای کشاورزی و روستایی، کشاورزان و اندیشمندان دانشگاهی و پژوهشگران در فاصله سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ منجر به تدوین چارچوب قانونی شد که از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۲ مراحل بررسی آن طی شد و نهایتاً قانون «جهت‌گیری توسعه کشاورزی فرانسه» به تصویب رسید. بر اساس این قانون، تأمین نیازهای غذایی کشور، ایجاد بازار برای صنایع داخلی و ایجاد توازن میان بازار داخلی و خارجی به‌عنوان اهداف اساسی توسعه کشاورزی برگزیده شد و ضمن فراهم آوردن زمینه‌های حمایت از محصولات محوری و راهبردی گندم، شیر، گوشت و علوفه، برای رفع و کاهش پراکندگی زمین‌های کشاورزی در جهت اقتصادی شدن فعالیت‌های این بخش در حد و اندازه خانواده‌های کشاورزی اقدامات بسیار مفصلی صورت گرفت و در طی ۲۰ سال با تشکیل و تقویت تشکلهای مختلف نظیر تشکلهای محصولی و سندیکاها در سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی، شرایط حضور فعال دولت، تشکلهای و کشاورزان برای دستیابی به اهداف موردنظر در قانون فراهم گردید. با اجرای این قانون، کشور فرانسه که از سال ۱۹۵۰ تا دهه ۱۹۷۰ واردکننده محصولات کشاورزی بود به جمع صادرکنندگان پیوست و با تشکیل سازمان تجارت جهانی WTO موقعیت خود را در بازارهای جهانی تثبیت نمود.

با توجه به اینکه در قانون جهت‌گیری توسعه کشاورزی فرانسه، «اجتناب از تشکیل مالکیت‌های بزرگ سرمایه‌داری که مغایر سنت‌های کشاورزی فرانسه است» مورد تأکید قرار گرفته است، از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ رفع پراکندگی زمین و اقتصادی نمودن مقیاس تولید یا به عبارتی یکپارچه‌سازی اراضی پراکنده در مالکیت‌های انفرادی با موفقیت دنبال شد و به پیروی از نظریه پویایی توسعه کشاورزی، ضمن دستیابی به مدیریت متمرکز



واحدها و بزرگ شدن سطح واحدهای خانوادگی فرآیند اجرای سیاست‌های متخذه را به سرانجام رساندند. در این رابطه با تشکیل شرکت آمایش زمین و استقرار روستایی، ضمن اجرای کلیه عملیات اجرایی یکپارچه‌سازی تحت مدیریت این شرکت و حرکت بر اساس قانون جهت‌گیری کشاورزی به اقداماتی از قبیل تنظیم بازار خریدوفروش زمین یا اشکال دیگر مانند تعویض زمین، حل مسائل و مشکلات حقوقی و اجرایی قانون، تأسیس واحدهای تابعه در سطح منطقه، استان و دهستان و تأسیس انجمن‌های زمین توسط روستائیان و کشاورزان و از همه مهم‌تر ایجاد هماهنگی بین آمایش زمین کشاورزی و روستایی و آمایش سرزمین که شهر و صنعت را هم در بر می‌گیرد جامعه عمل پوشانده شد.

با چنین اقداماتی بازده کشاورزی فرانسه از سال ۱۹۵۰ تا سال ۱۹۸۰ به ۷/۲ برابر رسید درحالی‌که میانگین این شاخص در سایر کشورهای اروپایی در این مدت ۵/۲ برابر شده بود. تغییرات بهره‌وری در سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۵ نیز نشان می‌دهد درحالی‌که بهره‌وری متوسط کل کشور ۲/۲٪ و بهره‌وری صنعت اتومبیل ۳/۹٪ بوده بخش کشاورزی از بهره‌وری ۴/۴٪ برخوردار بوده است و یک دهه بعد از آن (در سال ۱۹۹۶) فرانسه توانست معادل ۷۲/۵ درصد (۲۹ میلیارد از ۴۰ میلیارد یورو) صادرات کشاورزی اروپا را به خود اختصاص دهد.

نقش جوامع مدنی و نهادهای مردمی

این توفیقات ناشی از سیاست‌گذاری‌هایی است که در نهادهای مختلف صورت می‌پذیرد؛ شورای عالی جهت‌گیری کشاورزی با مسئولیت وزارت کشاورزی و با حضور نمایندگان



وزارت کشاورزی و دولت، نمایندگان تشکل‌های صنفی (تولیدی-تبدیلی) و دفاتر محصولی و کنفرانس سالانه تعیین راهبردها و سیاست‌ها، به‌عنوان بالاترین و عالی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری و جهت‌گیری‌های استراتژیک با شرکت کلیه دست‌اندرکاران به‌ویژه شورای عالی جهت‌گیری، اتاق کشاورزی، سندیکاها، تشکل‌ها و گروه‌ها، انستیتوهای محصولی، مراکز تحقیقاتی دانشگاهیان و صاحب‌نظران و صندوق ملی اعتبارات کشاورزی از جمله این نهادها هستند.

اتاق کشاورزی به‌عنوان نهاد واسطه با عملکرد مستقل مرکب از نمایندگان وزارت کشاورزی و دولت، نمایندگان سندیکاها و کشاورزان، صندوق ملی اعتبارات کشاورزی با ۹۶ شعبه استانی، ۴ شعبه خارج از کشور در قالب ۲۲ اتاق منطقه‌ای و از طریق مجمع ملی دائمی اتاق‌های کشاورزی، یکی از ارکان اساسی کشاورزی فرانسه است.

هرچند فرآیند تولید کشاورزی در فرانسه، انفرادی و خانوادگی است، اما در فعالیت‌ها و صنایع پیشین (فرا دست) مانند فرایند تولید ماشین ابزار و خدمات و فعالیت‌ها و صنایع پسین (فرو دست) مانند فرایند تولید فرآورده‌های شیر و نظایر آن، تشکل‌های تعاونی نقش عمده دارند. تشکل‌های ملی نظیر فدراسیون ملی سندیکاها، بهره‌برداری کشاورزی، مرکز ملی کشاورزان جوان و کشاورزان جوان مسیحی، کنفدراسیون روستایی، جنبش دفاع از بهره‌برداران خانوادگی، مراکز (انستیتوهای) محصولی به‌عنوان نهادهای واسطه‌ای در تمام ارکان تصمیم‌گیری دخالت دارند.

نهادهای عمومی شامل: انجمن ملی توسعه کشاورزی، مجمع دائمی اتاق‌های کشاورزی، تأسیسات استانی دام‌پروری، صندوق بیمه و آموزش بهره‌برداری کشاورزی و اعضای وابسته،



موسسه ملی مدیریت و اقتصاد روستایی، موسسه ملی پژوهش‌های کشاورزی، مرکز ملی ماشین‌های کشاورزی، مهندسی روستایی و آب‌ها و جنگل‌ها، برنامه چندساله توسعه کشاورزی، سرویس سودمندی کشاورزی توسعه، موسسه‌های فراگیر دولتی و واسطه، در کنار تشکل‌های صنفی (کشاورزان) شامل: مرکز مطالعات فنی کشاورزی، فدراسیون ملی مراکز اطلاعات و ترویج کشاورزی و روستایی، فدراسیون ملی گروه مطالعات و توسعه کشاورزی، گروه ترویج کشاورزی، فدراسیون ملی تعاونی‌های کاربرد ماشین‌های کشاورزی، انجمن هماهنگی فنی کشاورزی، انجمن ملی تولیدکنندگان گندم و سایر غلات، فدراسیون کشاورزی فرانسه، انجمن کارگران کشاورزی برای ترویج پیشرفت کشاورزی، جنبش دفاع از بهره‌برداران خانوادگی، کنفدراسیون ملی بیمه، تعاونی و اعتبارات، فدراسیون ملی سندیکای بهره‌برداران کشاورزی و سندیکای ملی (مرکز ملی) جوانان کشور نشان‌دهنده نقش اساسی بخش خصوصی در امور کشاورزی کشور است.

یک شبکه پژوهش‌های تجربی و کاربردی و ارتباط با پژوهش‌های بنیادی با حضور انجمن عمومی تولیدکنندگان گندم و سایر غلات، مرکز فنی بین حرفه‌ای دانه‌های روغنی کشور، کمیته ملی بین حرفه‌ای باغداری، کمیته ملی بین حرفه‌ای میوه و سبزیجات و مؤسسات فنی توسعه جنگل، زنبورداری، چغندرقد، غلات و علوفه، پرورش گاو، گیاهان طبی، معطر و صنعتی، نباتات فیبری، پرورش گوسفند و بز، سیب‌زمینی، تاک و ... نقش فعالی در کاربردی کردن تحقیقات دارد.

نظام آموزشی در مراحل قبل از دیپلم (مدارس فنی - حرفه‌ای)، دوره‌های منتهی به دیپلم فنی - حرفه‌ای معادل کاردانی و سطوح معادل کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری به



نحوی ساماندهی شده است که بین تعداد آموزش دیدگان و نیازهای بخش تناسب لازم برقرار شود و در این راستا نیز درخواست کشاورزان و سندیکاها بخصوص برای برگزاری دوره‌های کوتاه‌مدت گوناگون در تمام زمینه‌ها، تعیین کننده است.

در شرایطی که پیوند محکمی میان وزارت کشاورزی، شورای عالی جهت گیری، شورای کارشناسی محققان، دانشگاهیان و خبرگان و شورای دائمی امنیت غذایی، نهادهای واسطه‌ای، تشکل‌ها و سندیکاها وجود دارد میزان دستیابی کشور فرانسه به اهداف امنیت غذایی مشتمل بر تأمین مواد غذایی با کمیت و کیفیت مورد انتظار، تنظیم بازار داخلی و تقویت مبانی رقابت با بازارهای جهانی و برنامه‌ریزی‌های دقیق در خصوص واردات و صادرات چشمگیر است و البته پرداخت حدود ۷ میلیارد یورو یارانه به تولیدات و محصولات کشاورزی و حمایت از محیط‌زیست و تشویق و جایگزینی جوانان برای تأمین نیروی انسانی مورد نیاز در این رابطه، نقش به سزایی دارد.

حمایت از محیط‌زیست به افزایش سالانه حداقل ۳۰ هزار هکتار وسعت جنگل‌ها منجر شده و باوجود اینکه ۷۳ درصد جنگل‌ها در مالکیت خصوصی، ۱۶/۶ درصد در مالکیت عمومی و ۱۰/۴ درصد آن به‌عنوان حریم روستاها محسوب می‌شود. اما تشکیلات آب‌ها و جنگل‌ها مشترک بوده و در خصوص مدیریت و استفاده از منابع آب (رودخانه) آژانس‌های مردمی ویژه‌ای با حضور و مشارکت استفاده‌کنندگان و بهره‌برداران ایجاد شده است، به‌عنوان مثال رودخانه «لوار» را که طولانی‌ترین رودخانه فرانسه است مجلسی ۱۲۰ نفره متشکل از نمایندگان بهره‌برداران و استفاده‌کنندگان و کشاورزان شهرها و دهستان‌ها، اداره می‌کند.



از جمله تحولات مهم در بخش کشاورزی فرانسه روند کاهش تعداد بهره‌برداران است به نحوی که این تعداد از ۵۷۰۱ هزار نفر در سال ۱۸۹۲ به ۵۱۵ هزار نفر در سال ۲۰۱۲ تقلیل یافته و بدین ترتیب متوسط سطح اراضی متعلق به هر بهره‌برداری شامل زراعت و دام‌پروری به حدود ۶۰ هکتار افزایش یافته است. کل جمعیت فعال کشاورزی شامل بهره‌بردار و نیروی خانواده و حقوق‌بگیران نیز که در سال ۱۹۵۴ بیش از ۵۱۰۰ هزار نفر بوده در سال ۲۰۰۰ به کمتر از ۶۵۰ هزار نفر تقلیل یافت و طی همین مدت کل جمعیت روستایی نیز از ۸۱۷۰ هزار نفر به ۲۰۰۰ هزار نفر رسید و در حال حاضر نسبت نیروی کار کشاورزی در جمعیت فعال کشور کمتر از ۳/۵ درصد است.

به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین معضلات پیشرفت کشاورزی در ایران مشکل پراکندگی زمین و متشکل نبودن کشاورزان است، ضمن اینکه ساختارها و سازوکارهای مرتبط با کشاورزی از جمله آب، بازرگانی، امور اراضی و آمایش نیز به صورت پراکنده عمل می‌کنند و این شیوه مدیریت، معضلات کشاورزی کشور را پیچیده‌تر کرده است.

در بهره‌گیری از تجارب کشاورزی فرانسه، توجه به این نکته لازم است که برخلاف کشاورزی فرانسه، نظام کشاورزی ایران فئودالی نبوده بلکه از حدود ۴۰۰۰ سال پیش از قانونمندی‌های خاص برخوردار بوده است. کشاورزی در ایران دارای قدمت فردی و خانوادگی بوده و به عبارتی خصلت‌های عمده این فعالیت از زمان‌های دور شامل مزارع خرد، تولید خانوادگی و مالکیت انفرادی زمین یا به اصطلاح امروز مالکیت خصوصی بوده است که در تدوین الگوی پیشرفت بایستی به این واقعیت توجه ویژه معطوف گردد.

